



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پیمای کربلا

حرم حضرت

مجموعه مصنفاتی سرکار وادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای کربلا - حریم حریت

نویسنده:

محمد صحتی سردرودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	سیمای کربلا حریم حریت
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۱	پیشگفتار
۱۳	فصل اول کربلا پیش از تولد
۱۳	اشاره
۱۴	نام‌های شهر عشق
۱۹	کربلا در یک نگاه
۲۰	کربلا و ابوالبشر
۲۱	کربلا و پیامبر
۲۴	خون‌نامه خاک
۲۵	قربانگاه عاشقان
۲۷	فصل دوم کربلا پس از تولد
۲۷	تولد
۲۷	اشاره
۳۱	روزشمار کربلا
۳۴	مقام شهدای کربلا
۳۵	پایداری، تا پای جان
۳۵	اشاره
۳۶	۱- انس بن حارث کاهلی اسدی کوفی رضوان الله علیه
۳۸	۲- عبدالرحمن بن عبد ربه انصاری
۳۹	۳- مسلم بن عوسجه اسدی رضوان الله علیه

۴۱	۴- حدیث حبیب
۴۵	حماسه‌ای دیگر
۴۹	فصل سوم آستان ثارالله
۴۹	اشاره
۵۱	حدیث فردا و فرداها
۵۱	اشاره
۵۳	تدفین آفتاب
۵۵	آستان حسینی
۵۵	سده نخستین
۵۵	اشاره
۵۶	اولین تخریب:
۵۷	عصر بنی عباس
۵۷	اشاره
۵۸	تخریب دوم:
۵۹	عمارت اول:
۵۹	عمارت دوم:
۶۰	عمارت سوم:
۶۰	عمارت چهارم:
۶۰	عمارت پنجم:
۶۰	عمارت ششم:
۶۰	عمارت هفتم:
۶۲	آستان حسینی در عصر صفوی
۶۴	عاشورایی در غدیر
۶۷	شیخ العراقین در خدمت آستانه

۶۷	آستان حسینی در عصر حاضر
۷۲	فصل چهارم آثار تاریخی و دیگر زیارتگاه‌های کربلا
۷۲	اشاره
۷۴	آستان ابوالفضل العباس علیه السلام
۷۴	اشاره
۷۷	آرامگاه شهدای کربلا
۷۸	بقعه شهدای بنی‌هاشم
۷۹	آستان طفلان مسلم
۸۰	آستانه عون بن عبدالله
۸۱	از آثار تاریخی کربلا
۸۱	اشاره
۸۱	۱- مرقد سید ابراهیم مجاب:
۸۳	۲- خیمه‌گاه:
۸۳	۳- آستانه ابن حمزه طوسی
۸۴	۴- آستانه ابن فهد حلی
۸۵	۵- مقام امام حسین (ع)
۸۵	۶- تلّ زینبیه
۸۶	۷- مقام دست راست حضرت ابوالفضل
۸۶	۸- مقام دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)
۸۶	۹- مقام امام صادق (ع)
۸۷	۱۰- مقام حضرت مهدی موعود
۸۷	۱۱- آستانه سید محمد مجاهد
۸۸	۱۲- مرقد شریف العلما
۸۸	۱۳- بقعه آل بویه

- ۱۴- بقعه ابواحمد الحسین ۸۹
- ۱۵- بقعه میرزا محمدتقی شیرازی، معروف به میرزای دوّم ۸۹
- ۱۶- بقعه شریف رضی ۹۰
- ۱۷- بقعه شهرستانی ۹۱
- ۱۸- بقعه صاحب ضوابط ۹۱
- ۱۹- بقعه برغانی ۹۱
- ۲۰- بقعه سیدعلی صاحب ریاض و آقا محمدباقر بهبهانی ۹۲
- ۲۱- بقعه سید مرتضی طباطبایی: ۹۲
- ۲۲- بقعه سید مهدی طباطبایی حائری ۹۳
- ۲۳- بقعه آل کُثونه ۹۳
- فصل پنجم پناهگاه ستمدیدگان و سدّ راه ستمگران ۹۴
- اشاره ۹۴
- عاشورایی دیگر در راه کربلا ۹۶
- اشاره ۹۶
- عید نیمه شعبان و عاشورایی دیگر ۹۷
- کربلا، رسواگر صدام ۹۹
- فصل ششم کربلا سرچشمه عاشورا ۱۰۰
- اشاره ۱۰۰
- پیام آوران عاشورا ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
- قیام توّابین ۱۰۴
- قیام یحیی بن زید ۱۰۵
- انقلاب ابوالسرایا ۱۰۶
- اشاره‌ای به نقش کربلا در «حماسه فتواداران» ۱۰۷

۱۱۲	فصل هفتم زیارت کربلا و تربت و تسبیح عشق
۱۱۲	اشاره
۱۱۴	تکریم کمال
۱۱۴	اشاره
۱۱۵	روایت زیارت
۱۲۰	خاک شفا، اکسیر محبت
۱۲۳	تکبیر ایثار، تسبیح تشیع
۱۲۳	تربت و زمزم
۱۳۰	فصل هشتم کربلا کانون علم و ادب
۱۳۰	اشاره
۱۳۱	در سایه سار ثارالله
۱۳۱	اشاره
۱۳۳	دسته گلی از جنت آلاها
۱۳۵	فهرست منابع و مأخذ
۱۳۹	درباره مرکز
۱۴۳	فصل هشتم کربلا کانون علم و ادب
۱۴۳	اشاره
۱۴۵	در سایه سار ثارالله
۱۴۵	اشاره
۱۴۷	دسته گلی از جنت آلاها
۱۴۹	فهرست منابع و مأخذ
۱۵۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیمای کربلا حریم حریت

مشخصات کتاب

- سرشناسه: صحتی سردرودی، محمد، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: سیمای کربلا حریم حریت/محمد صحتی سردرودی.
 مشخصات نشر: تهران:مشعر، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۱۲ × ۲۱ س م.
 شابک: ۹۰۰۰ ریال ۵-۰۹۲-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: چاپ قبلی: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۸۳ (۲۳۷ ص).
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱] - ۱۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: زیارتگاههای اسلامی - عراق - کربلا.
 موضوع: کربلا - تاریخ.
 رده بندی کنگره: DS۷۹/۹/ک۴ ص ۳ ۱۳۸۷
 رده بندی دیویی: ۹۵۶/۷۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۹۰۴۱
 ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

ص: ۹

محو پیشینه تاریخی و بی رنگ جلوه دادن ارزش‌های اخلاقی و انسانی یک ملت را می‌توان نخستین گام در مسیر القای باورها و فرهنگ بیگانه دانست. استکبار که چتر آسمانی ایمان و توحید را بزرگترین مانع در مسیر غارت و اسارت ملت‌ها می‌داند، تلاش فراوان دارد تا مردم را از فکر و فرهنگ اسلامی جدا سازد.

در این میان، آنچه سخت از آن می‌گریزد سابقه مکتبی و دینی شهر و دیار مسلمین است. سرزمین اسلام، دیار ارزش‌هاست، دیار ایمان و دانش و هنر و کوشش است. افتخار دیار اسلام چند باستانی بجا مانده از شاهان بیدادگر و چند شعر باقی مانده از لحظه عربده و مستی چند شاعر نیست.

دیار اسلام، به دانشمندان متعهد و عالمان دوراندیش و حافظان قرآن و راویان حدیث و مجاهدان سلحشور و فداکاران مؤمنی می‌بالد که در دامان دین بزرگ شدند و از ایمان و آزادی و استقلال انسان‌ها دفاع کردند.

در شهر و دیار ابرار، ایثارگران، تولیدگران اصلی ارزش‌های اجتماعی و پاسداران آبرو و حیثیت انسانی و مسلمانی‌اند. سابقه تاریخی و قدرت فنی و هنری منهای

ص: ۱۰

ایمان و اخلاق، نشان هیچ امتیاز و افتخاری نیست.

در این کتاب، کوشش بر این است که خدمات متقابل اسلام و کربلا، مورد بررسی قرار گیرد.

کربلا کلمه‌ای نیست که کسی آن را نشنیده باشد و در خصوص آن و حوادث حماسی و تاریخ سازش به فکر فرو نرفته و انگشت حیرت به لب نگرفته باشد. این دلوازه بی نظیر، در طول تاریخ خونین خویش، همیشه ورد زبان آزادگان و مطلع قصیده‌های غیرتمندان و سرود سرخ شهیدان بوده است.

نام کربلا از آن روز به زبان‌ها افتاد که «قربانگاه عاشقان» و «مشهد شهیدان» نام گرفت و میزبان هفتاد و دو تن عاشق‌صداق و ابر مرد غیور گشت.

کربلا- بیش از آن که نام یک شهر، یا اسم مکانی باشد عنوان یک فرهنگ است، فرهنگی که فراتر از زمین و زمان بوده و تا فراسوی فرداهای بی‌نهایت نیز امتداد خواهد یافت.

بیایید عاشورا- این حیرت‌آباد حماسه‌ها- را هر چه بیشتر جدی بگیریم و کتاب کربلا را- کتابی که با خون خدا نوشته شده- کوچک شماریم، کتابی که سطر سطر همیشه خونینش سرود سرخی است که هر حرفش کلمه‌ای از کلمه‌های الهی است و (کلمه

الله هِیَ العلیا)

محمدصحتی سردرودی

قم

ص: ۱۳

فصل اول کربلا پیش از تولد

اشاره

به ملّتی که مرامش بود مرام حسین من احترام گذارم به احترام حسین
از آن جهت شده دیوان کربلا دل ما که افتتاح شده از ازل به نام حسین
نه چون حسین، کسی سجده کرده در عالم نه کس قیام نموده است چون قیام حسین «عبدالعلی نگارنده»

ص: ۱۵

نام‌های شهر عشق

کربلا، با نام‌های زیادی نامیده شده که به بیش از بیست اسم می‌رسد:

۱- کربلا، کلمه‌ای که اسم هیچ مکانی در شهرت و قداست به پایش نمی‌رسد و در تفسیر این کلمه کمال آفرین چه حرف‌ها که گفته نشده است:

الف: بعضی معتقدند ریشه کربلا، از کلمه «کَرَبَلَه» گرفته شده و کربله یعنی به سستی گام برداشتن، یا سست شدن گام‌ها. عرب‌ها زمانی که بخواهند از بی‌حال و با کسالت راه رفتن کسی حکایت کنند، می‌گویند: جاد یمشی مکرَبَلًا، یعنی آمد در حالی که به سستی گام برمی‌داشت. (۱)

ب: کربلا از کلمه «کِرْبَال» گرفته شده و کربال یعنی غربال کردن و تمیز و پاک کردن، گفته می‌شود: کربلتُ الحنطه، یعنی گندم را غربال کردم و آن را از خاک و خاشاک پاک گردانیدم. به کربلا نیز به خاطر این کربلا گفته‌اند که زمینی بود

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۸، قسم کربلا، ص ۹.

ص: ۱۶

خالی از ریگ و سنگ و بدون درخت یا گیاهان هرز و مزاحم، مثل این که کشاورزی آن را پاک کرده و برای کشت آماده کرده باشد. (۱)

ج: کربلا، از دو واژه آشوری «کرب» و «ایلا» ترکیب یافته است، یعنی حرم خدا و خانه خدایگان. (۲)

د: این کلمه در اصل فارسی بوده و از دو کلمه «کار» و «بالا» گرفته شده است؛ یعنی کار آسمانی و ارزشمند؛ ارزشمند، به عبارتی جایگاه نماز و نیایش. (۳)

ه: در اصل «کُور بابل» بوده است، یعنی روستاهای شهر بابل. (۴)

و: توسط خود حضرت سیدالشهدا و پدرش علی (ع) و جدش رسول اکرم (ص)، کربلا به کرب و بلا، یعنی درد و بلا و امتحان و ابتلا تفسیر شده است. (۵)

ادبا و شعرای شیعه نیز همین تفسیر را برگزیده‌اند، به عنوان نمونه، سالار شاعران شیعی سید اسماعیل حمیری از کربلا چنین یاد می‌کند:

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۸، قسم کربلا، ص ۹.

۲- مدینه الحسین ع، ص ۱.

۳- همان، ص ۱.

۴- نهضة الحسین ع، ص ۶۶.

۵- همان.

ص: ۱۷

«کربلا یا دارُ کرب و بلا (۱)»

و بزرگ اندیشمند شیعی، مرحوم سید شریف رضی چنین می‌گوید:

کربلا! لا زلتِ کرباً و بلا ما لقی عندک آل المصطفی

کم علی تربیک، لَمَاصِرَّعُوا مِنْ دَمٍ سَالٍ وَ مِنْ دَمَعٍ جَرَى (۲) ای کربلا! تو همیشه انبوهی از اندوه و بلا را به یاد می‌آوری، به سبب آنچه که در خاک تو به آل پاک محمد مصطفی (ص) رسید.

هنگامی که کشته شدند چه خون‌ها که ریخته شد و چه اشک‌ها که جاری شد.

۲- حایر؛ پس از کربلا، حایر بیش از دیگر نام‌ها، حائز اهمیت بوده است و کربلا- در کتاب‌های فقهی بیشتر با همین نام، عنوان می‌شود و فقها مسائل خاصی را که در خصوص حائر و احکام و حدود آن می‌باشد، در ذیل همین عنوان بحث و بررسی می‌کنند.

۳- حیر، مخفف همان حایر است، حیر یا حائر یعنی جایی که آب در آنجا حیران می‌ماند و به دور خود می‌پیچد و گودال قتلگاه امام حسین (ع) در همین مکان

۱- دیوان السید الحمیری، ص ۵۸.

۲- دیوان الشریف الرضی، ج ۱، ص ۴۴.

ص: ۱۸

مقدس واقع شده است و جسد انورش نیز در آنجا مدفون است.

۴- نوایس، در اصل و پیش از اسلام نام گورستانی بود که مسیحیان مردگان خود را در آنجا دفن می‌کردند. جالب این که پیشوای شهیدان حضرت اباعبدالله امام حسین (ع) در ضمن یکی از خطبه‌های معروفش این کلمه را به کار برده است آنگاه که حضرتش از حریم جدش خارج شده بود، چنین فرمود:

«حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخْطُ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ، وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَى أُسَيْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ وَ خَيْرَ لِي مَصِيرُ أَنَا لَاقِيَهُ، كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفُلُواتِ، بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ كَرْبَلَاءِ...»

مرگ برای فرزندان آدم چه زیبا نوشته شده است! نوشتاری که در لطافت به نقشی می‌ماند که گردن‌بند، در گردن دخترکان جوان می‌کشد و من برای سرکشیدن جام جان بخش شهادت و به دیدار صالحان سلف، همان قدر مشتاقم که یعقوب به دیدار پسرش یوسف، دست تقدیر الهی، برای من قتلگاهی برگزیده است که من به دیدارش خواهم شتافت، می‌بینم که به همین زودی‌ها گرگ‌های گرسنه نوایس و کربلا مرا در محاصره انداخته بند بند اعضای بدنم را از هم جدا می‌کنند».

۵- طَفَّ الْفِرَاتِ، کنار فرات.

ص: ۱۹

۶- طَفّ.

۷- شاطی‌الفرات، این هر سه اسم تقریباً به یک معنی است و طَفّ به زمین‌هایی که مشرف به دریا باشند، یا در لب رودخانه قرار داشته باشند، اطلاق می‌شود. سرزمین کربلا را به خاطر چند چشمه‌ای که در آن بوده و کربلا را در کنار خویش گرفته بودند طَفّ گفته‌اند. چشمه‌هایی مانند: قطقطانیه، رهیمه، عین‌الجمل و نهر علقم. (۱)

۸- نینوا، از اسم‌های معروف و قدیمی کربلاست.

۹- موضع البلاء یا موضع الابتلاء.

۱۰- محلّ الوفاء.

۱۱- غاضریه.

۱۲- ماریه.

۱۳- قصر بنی مقاتل.

۱۴- عقر بابل.

۱۵- عمورا.

۱۶- صفورا.

۱۷- نوائح، یعنی ناله‌ها و نوحه‌ها.

۱۸- شفاثا، که در عرف مردم «شثاثة» خوانده می‌شود. (۲)

۱۹- مدینه‌الحسین (ع)، شهر حسین (ع)

۱- شهر حسین ع، ص ۱۲.

۲- بعضی «شفیه» نقل کرده‌اند، بنگرید: تراث کربلا، ص ۲۰.

ص: ۲۰

۲۰- مشهد الحسین (ع)

۲۱- بقعه مبارکه. (۱)

کربلا در یک نگاه

با وجود این که پیشینه تاریخی کربلا، بسیار قدیمی بوده و به دوران بابلیان می‌رسد ولی از آنجا که مدارک تاریخی، در این باب ناچیز و اندک است، شناخت دقیقی را نمی‌توان نسبت به تاریخ کربلا پیش از اسلام به دست داد.

عراق تا سال ۱۳ هجری قمری در زیر سلطه زمامداران ایران بود، تا این که از همان سال تا سال ۱۶ هجری به تدریج، تمام کشور عراق و در ضمن کربلا توسط خیل خروشان سربازان مسلمان گشوده شد و آزاد گشت، از آن میان جنگ قادسیه که در سال ۱۴ هجری اتفاق افتاد، معروف و مشهور است. (۲)

عراق در طول تاریخ اسلام، همیشه کشوری شیعه نشین و بستر بسی حوادث تاریخ ساز و مهد حماسه‌ها و مرکز انقلاب‌هایی بزرگ و خونین بوده است، تنها کافی است که کتاب کربلا را ورق زده و کوفه (۳) را که شهری

۱- تراث کربلا، ص ۲۱، ۲۰، ۱۹.

۲- شهر حسین ع، ص ۷.

۳- بر خلاف ذهنیت رایجی که ما ایرانیان از کوفه داریم و با بعضی شعارها و ضرب‌المثل‌هایی از قبیل «الکوفی لایوفی» و ... که آن را همیشه ابراز می‌کنیم، کوفه پایگاه حکومت عدل مولا علی ع و نخستین حوزه علمی شیعه و مرکز خیلی از قیام‌های بزرگ شیعی بوده است

ص: ۲۱

است از شهرهای استان کربلا، در آیین تاریخی به تماشا نشست.
در حال حاضر، کربلا با فاصله ۱۰۵ کیلومتر، در جنوب غربی بغداد واقع شده و مرکز استانی به نام استان کربلا است.

کربلا و ابوالبشر

در حق حضرت آدم حدیثی نوشته‌اند که چون از فردوس برین رانده شد و به زمین هبوط کرد، روزی از روزها در این خراب آباد می‌گشت که گذرش به صحرای کربلا افتاد و در اثر لغزش پایش به زمین افتاد و خون از پایش جاری گردید، روی به حضرت حق کرده عرض کرد:

خدایا چرا چنین شد، نکند باز قصوری از من سر زده باشد؟

ندا رسید که نه، گناهی از تو سر زده است بلکه اینجا کربلا است جایی که در آنجا پسر تو حسین (ع) را می‌کشند و به او رحم نمی‌کنند.

آدم گفت: آیا حسین پیامبر است، ندا رسید که نه

ص: ۲۲

پیامبر نیست ولی فرزند پیامبر است، آدم گفت: قاتلش کیست؟ حضرت حق جواب داد: قاتل او یزید است که در آسمان‌ها و زمین مورد لعن و نفرین است، در این هنگام بود که آدم چهار نوبت بر یزید لعنت کرد. (۱)

کربلا و پیامبر

از همان روز که سید جوانان جنت، گام به گیتی نهاد و با درخشش خورشید جمالش، خانه گلین مولا علی (ع) و فاطمه زهرا (س) را درخششی دیگر و نوری بیشتر بخشید، نام کربلا نیز به زبان‌ها افتاد. تربت کربلا، این توتیای چشم دل و سرمه سرخ دیده دین، از همان روزهای آغازین حیات سراسر حق و حماسه حسین بن علی (ع)، قداستی فوق العاده و حرمتی بسیار یافت چنان که پیامبر اسلام (ص) آن را از دست روح القدس گرفته و با مشام مبارک خویش آن را می‌بوید و بوسه می‌زد، تو گویی به پسرش حسین که تازه تولّد یافته بود، می‌خواست بگوید: پسرم تو از منی و من از تو، (۲) تو با کتاب کربلایت که با خون خدایی خویش خواهی نوشت، دین و آیین مرا برای همیشه بیمه خواهی کرد، پس من حقّ دارم خاک کربلای تو را ببوسم.

- ۱- پیام عاشورا، ص ۵۱، به نقل از وقایع الأيام خیابانی، جلد محرّم و نیز منتخب طریحی.
- ۲- اشاره به حدیث بسیار معروفی که پیامبر ۶ می فرمود: حسین منّی و انا من حسین.

ص: ۲۳

پسرم، عزیزم، حسینم، ای پاره تنم و نور چشمم! خوش آمدی و با آمدنت مرا از فکر فردا و فرداها آسوده کردی، من خیلی وقت بود که انتظار تو را می کشیدم.

روزی ام الفضل به محضر رسول اکرم (ص) مشرف شده عرض می کند:

یا رسول الله شب خواب عجیبی دیدم، پیامبر (ص) می فرماید: چه دیدی؟

گفتنش برایم سخت است. ای رسول خدا!

بگو چه دیدی؟!

مثل این که دیدم پاره‌ای از تن شریفان جدا شده و در آغوش من افتاد!

پیامبر (ص) فرمودند: خیر دیدی، ان شاء الله دخترم فاطمه پسری به دنیا خواهد آورد و تو آن را در آغوش جای خواهی داد.

چیزی نگذشت که فاطمه (س) امام حسین (ع) را به دنیا آورد و چنان که رسول خدا (ص) فرموده بود من او را در آغوش گرفته و به خدمت حضرتش آوردم.

پیامبر (ص) تا نوزاد را دید گریه کرد چنانکه چشمانش پر از اشک شد، عرض کردم: یا رسول الله پدر و مادرم فدایت باد شما را چه شده، چرا گریه می کنید؟

حضرت فرمود: جبرئیل برایم خبر داد که این فرزندم

ص: ۲۴

را اتمم به این زودی می‌کشند. عرض کردم: همین نوزاد را می‌فرمایید؟ فرمود: بلی، جبرئیل به من چنین خبر داد و مشتی نیز از خاک سرخ کربلا را برایم آورد. (۱)

و در حدیث دیگری است که جبرئیل مشتی از تربت حسین (ع) را نزد پیامبر (ص) آورد، تربتی که بوی مشک خاص و خوشبو از آن به مشام می‌رسید و آن را به پیامبر (ص) داده و عرض کرد: ای حبیب خدا! این تربت، تربت فرزندان حسین پسر فاطمه است که چیزی نمی‌گذرد که او را در سرزمین کربلا مردمانی نفرین شده می‌کشند ... (۲)

و در روایتی نقل شده است که در نخستین سالروز تولد امام حسین (ع)، دوازده هزار فرشته با هیئتی خاص و در حالتی مخصوص به پیشگاه پیامبر اسلام (ص) نازل شده و عرض کردند:

ای محمد (ص)! به زودی آنچه که به هابیل از دست قابیل رسید، به فرزندان حسین (ع) می‌رسد.

و آن روز (یعنی اولین سالروز تولد امام حسین (ع)) فرشته‌ای در آسمان نماند مگر آن که به حضور حضرت رسول (ص) شرفیاب شده و او را به شهادت فرزندش حسین (ع) تسلیت و تبریک گفتند و هر یک به عنوان تحفه، مشتی از

۱- سیرتنا و سنتنا، ص ۵۳، و نیز الارشاد للشیخ المفید، ص ۲۵۰.

۲- سیرتنا و سنتنا، ص ۵۸.

ص: ۲۵

خاک کربلا را به پیشگاه پیامبر (ص) آورده بودند. (۱)

در دومین سالگرد ولادت امام حسین (ع) نیز، این برنامه تکرار شد و پیامبر (ص) که آن روز در مسافرت بود به همراهان خویش در رابطه با کربلا- و شهادت فرزندش امام حسین (ع) سخن گفت، و پس از بازگشت از سفر نیز به منبر رفتند و در حالی که یک دستش را بر سر حسین نهادند و دست دیگر را به سوی آسمان بلند کرده بود فرمود:

«پروردگارا! شهادت فرزندم حسین را مبارک گردان و او را سالار شهیدان قرار ده آنک علی کل شیء قدیر» (۲)

و پیامبر (ص) بارها و بارها از کربلا می‌گفت و نسبت به تکرار بیان این حدیث حیات بخش اصرار و پافشاری داشت.

خون نامه خاک

حضرت ام سلمه (س)، یکی از زنان بزرگوار پیامبر (ص) است. بزرگ بانویی که پس از مادر صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) یعنی حضرت خدیجه کبری (س)، هیچ زنی از زنان پیامبر (ص)، در پارسایی و صداقت به پای او نمی‌سد، او به راستی و به حق «ام المؤمنین (ره) مادر اهل ایمان» بود.

او می‌گوید: روزی از روزها رسول حق (ص) در خانه من بود و حسن و حسین (ع) در برابر چشمان پیامبر (ص)، مشغول

۱- سرتنا و سنتنا، ص ۶۲-۶۱.

۲- همان، ص ۶۲.

ص: ۲۶

بازی بودند که فرشته وحی، فرود آمد و در حالی که با دست به امام حسین (ع) اشاره می‌کرد، عرض کرد: ای محمد (ص) پس از تو، امت این پسر را می‌کشند ...

پیامبر (ص) پس از شنیدن این خبر، گریه نمود و او را در آغوش خویش فشرد، سپس جبرئیل مشتی از خاک کربلا را به پیامبر (ص) داد، پیامبر (ص) آن را می‌بویید و می‌فرمود: چه بویی دارد! بوی بلا و ابتلا می‌دهد. و سپس رو به من کرده فرمود: ام سلمه! این خاک را از من بگیر و به عنوان امانت آن را نگهدار، هرگاه دیدی این خاک به خون تبدیل شد، بدان که فرزندم حسین را کشته‌اند، پس آن را از پیامبر (ص) گرفته و در میان شیشه‌ای قرار دادم و هر روز که گاهی چشمم به آن شیشه می‌افتاد، بی اختیار می‌گفتم: روزی که این خاک، خون شود، به راستی که روز عظیمی خواهد بود. و چنان نیز شد. (۱)

قربانگاه عاشقان

امام باقر (ع) از پدرش امام سجاد (ع) نقل می‌کند که وقتی امیرالمؤمنین (ع) از کربلا عبور می‌کرد، در توصیف آن سرزمین فرمود: «اینجا قربانگاه عاشقان و مشهد شهیدان است. شهیدانی که نه در گذشته مانند آنان وجود داشته و نه در آینده

۱- سیرتنا و سنتنا، ص ۶۶-۷۵، و نیز الارشاد للشیخ المفید، ص ۲۵۱.

ص: ۲۷

وجود خواهد داشت.» (۱)

در حدیث دیگر، به عبارت دیگری نقل شده است که شخصی به نام هرثمه بن سلیم می‌گوید: «ما در جنگ‌صفین با علی (ع) بودیم، زمانی که حضرت به‌صحرای کربلا رسید از اسب پیاده شد. احرام نماز بست و ما نیز پشت سر حضرت نماز را با جماعت خواندیم، پس از آن که نماز تمام شد، امیر مؤمنان را دیدیم که از خاک کربلا برداشته و آن را استشمام می‌کند و می‌فرماید: چه خوشبویی ای خاک! قومی از تو، در روز قیامت پیا خواهند خاست که بدون حساب و بی هیچ درنگی به بهشت خواهند رفت...» (۲)

۱- متن حدیث چنین است: و يقول هذا ... مصارع عشاق شهداء لا يسبقهم من كان قبلهم و لا يلحقهم من بعدهم/ بنگرید: سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۹۷.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۶۹، به نقل از وقعه‌صفین، نصر بن مزاحم؛ ... واهاً لك ايتها التربة ليحشرن منك قوم يدخلون الجنة بغير حساب.

ص: ۳۰

فصل دوم کربلا پس از تولد

تولد

اشاره

ص: ۳۱

پنجاه سال از غروب آفتاب آسمان وحی می‌گذشت و بیش از بیست سال زمین و زمان از تابش خورشید قسط و عدالت محروم بود، پنجاه سال پیش از این، پیامبر اسلام (ص) رحلت فرمود و در طول این نیم قرن، تنها چهار سال و نه ماه آفتاب عدالت درخشید، هر چه بود سیاهی بود و ستم، ظلم بود و ظلمت، هر چه عقبه تاریخ به جلو می‌رفت سیطره سیاهی و ستم بیشتر می‌شد و این سیطره چنان با سرعت پیش می‌رفت که دیگر امید به نجات نبود، می‌رفت که قرآن و اسلام نیز به فراموشی سپرده شود و این، یعنی محو حقایق و نابودی انسانیت و به باد رفتن تمام زحمات و خدمات پیامبران و اصلاحگران تاریخ. به عبارت دیگر تحریف و تدفین تاریخ، تاریخی که رسولان حق، از آدم تا خاتم به آفرینش آن کمر همت بسته و با تحمیل سختی‌های طاقت‌فرسا و با صداقت و صمیمیت فوق العاده خویش آن را ساخته بودند و چه می‌توانیم که در حراست از آن به سرِ دار نرفته و چه ابوذرها که به خاطر آن، شکنجه و تبعید نشده بودند و از همه مهمتر علی (ع) آن عین عدل و عرفان و انسان کامل در این راه مقدس شهید شده و با خون خویش محراب مسجد را رنگین ساخته بود، همچنین امام حسن مجتبی (ع) که در راه

ص: ۳۲

خدا شهید شد.

پیامبران الهی، آن ابر مردان تاریخ آمده بودند که چکیده اندیشه‌های ناب را از گنجینه‌های عقلها (۱) بیرون بکشند و در اختیار بشر قرار دهند و هر یک عمری را در این راه بزرگ‌صرف کرده بودند، اما دست نفاق و تزویر می‌خواست این دفینه‌ها را دفن و آن تاریخ را تحریف کند و امروز، پس از پنجاه سال از رحلت بزرگترین پیامبران الهی، همه این رسالت‌های سنگین و بسیار گران بها بر دوش حضرت ابوالأحرار امام حسین (ع) بود.

او- کسی که بارها و بارها پیامبر اسلام (ص)، او را مصباح هدایت و کشتی نجات خوانده بود (۲) در این نیم قرن دیده بود که از همه غریب‌تر، قرآن و از همه مظلوم‌تر، اسلام است و هر چه زمان پیش می‌رود این غربت بیشتر و این ستم افزون‌تر می‌شود، چگونه می‌توانست شاهد و ناظر باشد و سکوت کند؟!

اینجا بود که امام حسین باصراحت تمام فریاد زد که:

«وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ، اذْ قَدْ بُلِيَتْ الْإِمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ؛

اگر بنا باشد که امت گرفتار حاکمی چون یزید شود پس

۱- اشاره به فرمایش مولا علی ع که در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: ليشيروا لهم دفائن العقول.

۲- قال رسول الله ۶: انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه، ر. ک: منتخب طریحی، ص ۲۰۳.

ص: ۳۳

باید فاتحه اسلام را خواند و گذاشت کنار.» (۱)

و ما زمانی می‌توانیم به عمق این فرمایش ابوالشهداء امام حسین (ع) پی ببریم که به یک نکته بسیار حساس و حیاتی، در تاریخ اسلام توجه داشته باشیم و آن این که در عرض این پنجاه سال به تدریج اصحاب پیامبر (ص) از دنیا رفته بودند و از اصحاب رسول (ص) نمانده بود مگر افرادی انگشت شمار و بسیار اندک و کسانی که در این نیم قرن متولد شده بودند، اسلام را از زبان کسانی شنیده بودند که در عمل بویی از اسلام نبرده بودند، به ویژه نسل جدید و جوان که نه حکومت پیامبر (ص) را در مدینه دیده بودند و نه عدالت مولا-علی را، تنها معاویه‌ها را دیده بودند و کارها و ستم‌های بی‌شمار آنها را که به نام اسلام مرتکب می‌شدند، در این شرایط، اسلام و قرآن کسی را می‌خواست که بتواند به تاریخ بگوید که:

انْ كَانَ دِينُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ اِلَّا بِقَتْلِى يَا سَيِّوْفُ خُدَيْبِى

و این ابرمرد، کسی جز امام حسین (ع) و این کار سترگ، جز با حماسه بی‌نظیر کربلا، نمی‌توانست باشد این کار با منبر و خطابه یا با نوشتن نامه و رساله تحقق

ص: ۳۴

نمی‌یافت، خون خدا می‌بایست تا دین خدا را از نو زنده کند و با شهادت خویش حجاب از چهره اهل تزویر بردارد. او از همان اول خروجش از مدینه و در بین راه، این معنا را تکرار می‌فرمود: «من می‌روم و شهید می‌شوم و هر کس که می‌خواهد به دیدار خدا دست یابد با ما همراه شود که اگر همراه نشود، روی پیروزی و رستگاری نخواهد دید.» (۱)

روزشمار کربلا

در این دفتر، فرصت توضیح حوادث فراوان و غم‌انگیز و عبرت‌آموز کربلای حسینی نیست به همین کفایت می‌کنیم که تقویمی از قیامت عشق و جدولی از حماسه حسینی را ترسیم کرده باشیم و بس، حال این شما و این هم تقویم تولد تاریخ: عنوان واقعه + تاریخ واقعه

- ۱- بیعت خواستن ولید از امام برای یزید + جمعه ۲۷ رجب، ۶۰ هـ-ق.
- ۲- ملاقات دوم (بین امام (ع) و ولید) + شنبه ۲۸ رجب، ۶۰ هـ-ق.
- ۳- خروج از مدینه + شب یکشنبه، ۲۸ رجب، ۶۰ هـ-ق.

ص: ۳۵

- ۴- ورد به مکه + شب جمعه، سوم شعبان، ۶۰هـ-ق.
- ۵- مدت توقف امام در مکه + (شعبان، رمضان، شوال، ذی القعدة تا هشتم ذی الحجة، ۶۰هـ-ق.) یعنی چهار ماه و پنج روز.
- ۶- رسیدن نخستین نامه از نامه‌های اهل کوفه + چهارشنبه، ۱۰ رمضان، ۶۰هـ-ق.
- ۷- خروج مسلم بن عقیل از مکه به سوی کوفه + دوشنبه، ۱۵ رمضان، ۶۰هـ-ق.
- ۸- ورود سفیر عاشورا، مسلم بن عقیل به کوفه + سه شنبه، ۵ شوال، ۶۰هـ-ق.
- ۹- روز شهادت حضرت مسلم بن عقیل در کوفه + سه شنبه، ۸ ذی الحجة، ۶۰هـ-ق.
- ۱۰- خروج امام حسین (ع) از شهر مکه + سه شنبه، ۸ ذی الحجة، ۶۰هـ-ق، یعنی درست همان روزی که مسلم ابن عقیل در کوفه شهید شد.
- ۱۱- ورود امام به صحرای کربلا + پنجشنبه، ۲ محرم ۶۱هـ-ق، یعنی کاروان شهادت از مکه تا کربلا ۲۳ روز در راه بوده است.
- ۱۲- رسیدن عمر بن سعد ملعون به کربلا + جمعه، سوم محرم، ۶۱هـ-ق.
- ۱۳- مذاکرات میان امام و عمر بن سعد + از سوم تا ششم محرم ۶۱هـ-ق.
- ۱۴- بسته شدن راه فرات توسط لشگر عمر بن سعد + سه شنبه ۷ محرم ۶۱هـ-ق.

ص: ۳۶

۱۵- نخستین حمله لشگریان عمر سعد به لشگر امام + پنجشنبه ۹ محرم ۶۱ هـ - ق.

۱۶- روز جنگ و شهادت (عاشورا) + جمعه، ۱۰ محرم ۶۱ هـ - ق.

۱۷- شهادت بیش از پنجاه شهید از انصارالله و اصحاب امام حسین (ع) + جمعه، ۱۰ محرم ۶۱ هـ - ق، پیش از ظهر

۱۸- شهادت بقیه اصحاب و همه بنی هاشم + جمعه، ۱۰ محرم ۶۱ هـ - ق. بعد از ظهر

۱۹- شهادت امام حسین (ع) + جمعه، ۱۰ محرم ۶۱ هـ - ق، وقت غروب

۲۰- کوچ دادن عترت پیامبر (ص) از کربلا + شنبه بعد از ظهر، ۱۱ محرم ۶۱ هـ - ق. (۱)

۲۱- تدفین آفتاب و لاله‌ها + ۱۲ محرم ۶۱ هـ - ق.

۲۲- زیارت جابر بن عبدالله انصاری از اصحاب بزرگ رسول خدا (ص) و دوستش عطیه، از علما و مفسران بزرگ اسلام + ۲۰ صفر

۶۱ ق (اولین اربعین)

۲۳- زیارت خاندان رسالت و ولایت + ۲۰ صفر ۶۲ ق (دومین اربعین) (۲)

۲۴- قیام و زیارت دسته جمعی (تواین) + شب جمعه ۲۵ ربیع الثانی ۶۵ هـ - ق.

۱- رساله الحسین، ش دوم، ص ۷۴-۵۴.

۲- بررسی تاریخ عاشورا، مرحوم دکتر آیتی، ص ۲۴۴ به بعد، چاپ دوم، ۱۳۴۷ ش.

ص: ۳۷

مقام شهدای کربلا

حضرت سیدالشهدا (ع) در حَقَّشان فرمود:

«فَأَنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي ...

من اصحابی بهتر از اصحاب خویش و یارانی باوفا تر از یاران خودم نمی‌شناسم.» (۱)

و این فخر فخیم و افتخار عظیم آنان را بس که حضرت مهدی موعود، قطب دایره وجود، نام آنها را به بزرگی و ستایش ذکر

می‌کند و با ذکر اسم هر یک به او سلام و درود می‌فرستد و قاتلش را نفرین می‌کند و می‌فرماید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَ أَنْصَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنَعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، بَوَّأَكُمْ اللَّهُ مُبَوَّءَ الْأَبْرَارِ، أَشْهَدُ لَقَدْ كَشَفَ اللَّهُ لَكُمْ الْغِطَاءَ

درود بر شما ای بهترین یاران! سلام بر شما! به خاطر آنچه شکیبایی ورزیدید، راستی چه نیکو جایگاه و خانه آینده‌ای دارید! خدا

شما را در مقام نیکان قرار داده است، شهادت می‌دهم که خداوند پرده را از برابر دیدگان شما برداشته بود.» (۲)

۱- بلاغۃ الحسین، ص ۱۶۹.

۲- حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی عج، ص ۴۸.

ص: ۳۸

پایداری، تا پای جان

اشاره

این عجیب نیست که انسان‌ها هر از گاهی دست به کارهای خیر و بزرگ بزنند و اقداماتی را فقط برای خدا انجام بدهند چرا که انسان هر قدر هم که در مرداب غفلت فرو رفته باشد، گاهگاهی فرات فطرتش می‌جوشد و وجدان انسانی، الهیش، او را به راه راست می‌آورد، شگفت‌آور این است که انسان بتواند عمری را تمام در راه راست و صراط مستقیم و مقاومت سپری کرده باشد و در آخر نیز سر بر سر همین طریق حق بگذارد و از هر چه غیر از حق بگذرد و این همان فضیلت بزرگی هست که خدا تنها به کسانی ارزانی می‌دارد که آنها را بخواهد و دوست داشته باشد [\(۱\)](#).

و ما در حیرت آباد حماسه‌ها و در میان شهدای کربلا، خیلی از نور نمونه‌های ناب را می‌بینیم، دلیر مردانی که در زمان رسول خدا (ص) از یاران او شمرده می‌شدند و پس از او نیز در کنار جانشین به حق او علی مرتضی (ع) بوده و با دشمنان او در صفین و جمل و نهروان جنگیده بودند و پس از او نیز با یادگار آن حضرت، امام مجتبی (ع) همراه بودند تا بالاخره در دشت خون و قیام، کربلای معلی، با خون خویش خط خدا را رقم زدند و در بلندای ابدیت جای گرفتند.

۱- ذَلِكْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ مَائِدَه / ۵۳.

ص: ۳۹

نقل می‌کنند در حدود ده نفر از یاران با وفای امام حسین (ع) از اصحاب رسول اکرم (ص) بودند که با یادکردی گذرا از بعضی از آن غیور مردان، به قلم قداست و به دفتر شرافت می‌بخشیم:

۱- انس بن حارث کاهلی اسدی کوفی رضوان الله علیه

وی از بزرگان اصحاب رسول خدا (ص) است و در کنار آن حضرت، در جنگ بدر و حنین شرکت کرده بود و تاریخ نویسان او را از یاران علی (ع) و امام حسن و حسین (ع) شمرده‌اند.

او حدیث معروفی را در خصوص حماسه کربلا از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده است که روایتگران سنی و محدثان شیعه بالاتفاق آن را نقل کرده‌اند و روایت چنین است:

«روزی به محضر پیغمبر اسلام (ص) شرفیاب شدم که حسین بن علی (ع) در آغوش آن حضرت آرمیده بود و رسول الله (ص) فرمود: این فرزندم در سرزمینی که به آن کربلا- می‌گویند کشته می‌شود هر کس آن روز را درک کرد لازم است که او را یاری کند.» (۱)

این زنده جاوید، از تبار شیر مردان یعنی از قبیله بنی اسد است و در کوفه بود که شنید امام حسین (ع) در کربلا اردو زده است با شتاب تمام خود را به اردوگاه امام (ع)

۱- الملل و النحل، ج ۶، ص ۴۵۸، و نیز دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۵۲.

ص: ۴۰

رساند تا با خون خود پاسدار خون خدا باشد، او افتخار بزرگی را کسب کرد که فرشتگان آسمان نیز به حالش غبطه می‌خورند، او همراه پیشوای شهیدان بود، تا این که بعد از ظهر عاشورا فرا رسید، در این هنگامه بس بزرگ شیر مرد اسدی- انس بن حارث- دست در سینه، در برابر آفتاب عاشورا ایستاد و سلام کرد و پس از اجازه پرواز و اذن عروج، آن پیرمرد را دیدند که با رشادت تمام و با اراده آهنین قد خمیده خویش را که چون دال شده بود مثل الف راست کرد و دست برد عمامه را از سر برداشته دو قسمت کرد، یک قسمت را محکم به کمر بست و قسمت دیگر را به پیشانی بست تا ابروان سفید و بلند خویش را از روی دیدگان حق بینش کنار زده باشد.

هنگامی که امام حسین (ع) این منظره را دید، اشک از دیدگانش سرازیر شد و فرمود خدا را شکر می‌کنم که از یاری همچون تویی برخوردارم، سپس آن پیرمرد شیر دل، دل به دریا زد و با شجاعتی اعجاب انگیز، پس از آن که هیجده نفر از لشکریان یزید را به خاک مذلت نشانند و راهی درک اسفل کرد، در کنار ابی عبدالله (ع) به فیض شهادت رسید، در زیارت ناحیه مقدسه و زیارت رجبیه از او چنین نام برده می‌شود:

ص: ۴۱

«السلام علی انس بن الکاهل الاسدی. (۱) درود و سلام بر انس فرزند کاهل اسدی.»

۲- عبدالرحمن بن عبد ربه انصاری

این بزرگوار، از یاران رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) شمرده شده است، مرحوم محدث بحرانی در کتاب معروف خویش حدائق می‌نویسد، عبدالرحمن از تربیت شدگان مولا علی (ع) بوده و قرآن را از آن حضرت آموخته بود. (۲)

روزی حضرت علی (ع)، با سوگند از مردم خواست که هر کس سخن رسول خدا (ص) را در غدیر خم شخصاً شنیده، بپا خیزد و گواهی دهد، بیش از ده نفر بپا خاستند که عبدالرحمن بن عبدربه نیز در میان ایشان بود و همگی گفتند:

«گواهی می‌دهیم که ما شنیدیم رسول خدا (ص) فرمود: آگاه باشید که خدای عزوجلّ مولای من است و من مولا و ولی مؤمنین هستم و بدانید که هر کس که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست، خدایا دوست دار هر کس که او را دوست داشته باشد و دشمن دار، هر که او را دشمن داشته باشد و یاری کن هر کس او را یاری کند»

۱- تاریخ من دفن فی العراق من الصحابه، ص ۵۴ و نیز دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۵۲.

۲- حماسه سازان کربلا، ص ۱۶۵.

ص: ۴۲

اینصحابه بزرگوار، از شهر مکه همراه امام حسین (ع) بود تا اینکه صبح روز عاشورا در یورش نخستین لشکریان عمر بن سعد، پس از جنگی جانانه و با رشادتی جاودانه، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و در مرقد دسته جمعی اصحاب عاشورا، در پایین پای سیدالشهدا (ع) مدفون گردید. (۱)

۳- مسلم بن عوسجه اسدی رضوان الله علیه

این بزرگوار نیز از اصحاب پیامبر اسلام (ص) و از قهرمانان و جنگاوران تاریخ اسلام و از قبیله بنی اسد می‌باشد و با حبیب بن مظاهر رفاقتی دیرینه داشت، زمانی که مسلم بن عقیل در کوفه به سر می‌برد از نزدیکان و یاوران خالص او بود و برای امام حسین (ع) از مردم بیعت می‌گرفت، پس از آن که مسلم بن عقیل شهید شد، خانواده‌اش را برداشته و رو به سوی قبله احرار، امام حسین (ع) براه افتاد تا توانست به دلبر خویش پیوندد و در شمار شهیدان همیشه جاوید کربلا محسوب شود و زمانی که از اسب فرو افتاده و می‌رفت که در بلندای ابدیت درفش دلیری و آزادی را برای همیشه به اهتزاز در آورد، سالار شهیدان ابا عبدالله (ع) را دید که با حبیب بن مظاهر در بالین خونین او ایستاده‌اند، چشمان خون آلودش را باز کرد

۱- تاریخ من دفن فی العراق من الصحابه، ص ۲۹۵.

ص: ۴۳

تا برای آخرین بار مظهر اوصاف حضرت باری و جمال جمیل حق را زیارت کرده باشد، تا دیدگانش را باز کرد امام (ع) این آیه را قرائت نمود: (فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ) (۱) و حیب با حسرت به او نگاه کرد و گفت:

درست است که من نیز پس از لحظاتی به تو خواهم پیوست اما دوست دارم اگر وصیتی داشته باشی بفرمایی شاید توانستم به انجام برسانم. مسلم بن عوسجه اشاره به امام حسین (ع) کرد و گفت: تو را وصیت می‌کنم که تا آخرین قطره خونت از رهبرمان دفاع کنی و حیب گفت: قسم به پروردگار کعبه که چنین خواهم کرد، اینجا بود که مسلم با آرامش تمام، جان به جان آفرین تسلیم کرد و صدای خانوده‌اش به وامسلماه بلند شد! در این لحظه صدای لشکر عمر بن سعد بلند شد که بشارت باد مسلم کشته شد، و مردی از سپاه دشمن نهیب زد که وای بر شما می‌دانید که چه کسی را کشته‌اید؟ مادرتان به عزایتان بنشینند، آیا مسلم کشته می‌شود و شما شادی می‌کنید که او را کشته‌اید چه بسیار بود مقام و جایگاه بزرگ او در میان مسلمانان، به خدا قسم او را در فتح آذربایجان دیدم که پیش از آن که لشکر خودش را جمع و جور کند، شش

۱- احزاب: ۲۳.

ص: ۴۴

تن از مشرکین را کشته بود. (۱)

«

۴- حدیث حبیب

حضرت حبیب بن مظہر (یا مظاهر) اسدی، حضور پیامبر اسلام (ص) را درک کرده بود و در جنگ با ناکثین و مارقین و قاسطین در کنار امیرالمؤمنین (ع) بود و از اصحاب خاص و یاران نزدیک آن حضرت و از حواریون آن مسیحادم بود.

سطر سطر حیات حبیب- رضوان الله علیه- سرشار از حماسه و حق طلبی است. چه داستان‌های دل‌نواز و روح پروری که از حیات این پیر وفا و مرد خدا نقل نشده است و ما تنها به یک داستان اشاره می‌کنیم، باشد که دفتر خویش را با نام نامی آن دلیر مرد مزین کرده باشیم:

سکوت کوچه را طنین گام‌های دو اسب، درهم می‌شکند.

دو سایه، دو اسب، دو سوار از دو سوی کوچه به هم نزدیک می‌شوند.

در کمرکش کوچه، عده‌ای در پناه سایه‌بانی خود را یله کرده‌اند، دستارها از سر گرفته‌اند، آرنج‌ها از پشت بر زمین تکیه داده‌اند تا رسیدن اولین نسیم خنک غروب وقت را با حرف و نقل و خاطره بگذرانند.

۱- مقتل الحسين ع، عبدالرزاق مقرّم، ص ۲۴۱، و نیز تاریخ من دفن العراق من الصحابه، ص ۲۴۴.

ص: ۴۵

سایه‌های دو اسب، متین و سنگین و با وقار به هم نزدیکتر می‌شوند، نه تنها دو سوار، که انگار دو اسب نیز همدیگر را خوب می‌شناسند.

آن مرد که چهره‌ای گلگون دارد و دو گیسوی کم و بیش سپید، چهره‌اش را قابی جوگندمی گرفته است، دهانه اسب را می‌کشد و او را به کنار کوچه می‌کشانند.

آن سوار دیگر که پیشانی بلند، شکمی برآمده و چهره‌ای ملیح دارد، اسبش را به سمت سوار دیگر می‌کشانند تا آنجا که چهارگوش دو اسب به موازات هم قرار می‌گیرد و نفس دو اسب درهم می‌پیچد.

سایه نشستگان، مبهوت و مات، نظاره‌گر این دو سوارند که چه می‌خواهند بکنند.

پیش از آن که پیرمرد، لب به سخن تر کند، آن دیگری در سلام پیشی می‌گیرد:

«سلام ای حبیب بن مظاهر! در چه حالی پیرمرد؟»

تبسمی شیرین بر لب‌های پیرمرد می‌نشیند:

«سلام میثم! کجا این وقت روز؟»

حبیب، اسب را قدمی به پیش می‌راند تا زانو به زانوی سوار دیگر، و بعد دستش را از سر مهر بر شانه میثم می‌گذارد و بی مقدمه می‌گوید:

«من مردی را می‌شناسم با پیشانی بلند و سری کم مو که شکمی برآمده دارد و در بازار دارالرزق خربزه می‌فروشد...»

ص: ۴۶

میثم به خنده می گوید: «خوب؟ خوب؟»

حیب ادامه می دهد:

«آری این مرد بدین خاطر که دوستدار پیامبر و علی (ع) است، سرش در کوچه‌های همین کوفه بر دار می رود و شکمش در بالای دار، دریده می شود ... خوب؟ باز هم بگویم؟ سایه نشینان از شنیدن این خیر دهشت زاء، حیرت می کنند، آرنج‌ها را از زمین می کنند و سرها را بلند می کنند و نزدیک می گردانند تا عکس العمل حیرت و وحشت را در چهره میثم ببینند؛ اما میثم، آرام و با وقار لبخند می زند و دست حیب را بر شانه خویش می فشارد و می گوید:

«بگذار من بگویم».

چروک تعجب بر پیشانی حیب می نشیند؛

«تو بگویی؟»

«آری، من نیز پیرمردی گلگون چهره را می شناسم، با گیسوانی بلند و آویخته بر دو سوی شانه، که به یاری فرزند پیامبر (ص) از کوفه بیرون می آید، سر از بدنش جدا می شود و سر بی پیکر، در کوچه پس کوچه‌های کوفه، می گردد.»

انگار چشم و چهره حیب از شادی و لبخند، لبریز می شود، دو سوار، دست‌ها و شانه‌های هم را می فشارند و با یکدیگر وداع و خداحافظی می کنند.

ص: ۴۷

طین گام‌های دو اسب، بر ذهن و دل سایه نشینان چنگ می‌زند، یکی برای خلاص از این همه حیرت، می‌گوید: «دروغ است، چه کسی می‌تواند آینده را به این روشنی ببیند.» دیگری نیز شانه از زیر بار وحشت خالی می‌کند و سعی می‌کند بی‌خیال بگوید:

«من که دروغ‌گوتر از این دو در عمرم ندیده‌ام، میثم تمار، و حبیب بن مظاهر» هُرم حیرت و وحشت قدری فروکش می‌کند اما صدای پای اسبی دیگر، بر ذهن کوچه خراش می‌اندازد، سایه اسب، نزدیک و نزدیکتر می‌شود.

سوار، رشید هجری است، غیور مردی دیگر از پیروان اهل بیت (ع):

«حبیب را ندیدید؟ یا میثم تمار را؟»

«دیدیم، هر دو را دیدیم، آمدند در اینجا ایستادند، قدری دروغ بافتند و رفتند.»!!

«مگر چه گفتند؟»

یکی از سایه‌نشینان بر سکوی انکار تکیه می‌زند و از ابتدا تا انتهای ماجرا را نقل می‌کند، رشید؛ آرام و با وقار، اسب را، هی می‌کند اما پیش از رفتن، نگاهش را بر روی سایه نشینان می‌گرداند و می‌گوید:

«خدا رحمت کند میثم را، یادش رفت بگوید:

ص: ۴۸

به آن که سر حبیب بن مظاهر را می آورد، صد درهم جایزه افزونتر می دهند.»

سایه نشینان سیاهدل، با حیرت به هم نگاه کرده و در میان قهقهه‌های که از سر غفلت سر می دهند، می گویند: «این یکی از آن دو هم دروغگوتر است.» اما گذشت روزگار، به زودی ثابت کرد که آن سه مرد بینا دل و روشن ضمیر راست می گفتند. (۱)

حماسه‌ای دیگر

حسین (ع) در برابر خیمه‌ها ایستاده بود که متوجه شد پسرک جوانی زره پوشیده و مسلح و آماده به سوی او می آید، وقتی که خوب نزدیک شد، قیافه معصومانه و کودکانه او را شناخت و دانست که او فرزند جناده بزرگ و شرافتمند است، نگاه پاک و مردانه جناده در دیدگان عمرو موج می زد ...

گام‌های عمرو، محکم و با اراده بر پیشانی خاک می نشست و بدون بیم و هراس با پنجه‌های کوچکش قبضه شمشیر را می فشرد، در سر تا پای عمرو شکوه و جلال یک انسان کامل به چشم می خورد، انسانی که با همه کوچکی، روحی بزرگ و آزاده داشت.

۱- از دیار حبیب، ص ۳، با تلخیص.

ص: ۴۹

انسانی در برابر حسین (ع) قرار گرفت که گویی با تمام وجودش فریاد می‌زند:

انسان اگر بخواهد خویش را از دامن آلودگی‌ها و زبونی‌ها نجات دهد بر قلّه‌های رفیع عظمت پا می‌نهد و شکوهی غیر قابل تصوّر می‌یابد.

حسین (ع) گرم شد و نیرو گرفت. از همه چیز او، از نگاهش، از دست‌های کوچک و پاهای کوتاهش، از شمشیرش و از آوای کودکانه و دلپسندش لذّت می‌برد.

هان چه می‌خواهی فرزندم، چه تصمیمی داری؟

مولا جان، ای پیشوای آزادگان، آمده‌ام تا اجازه بگیرم و به سوی میدان نبرد بشتابم و به این ددان اهریمن خوی بگویم که مولایم حسین تنها نیست و بدان آسانی که پنداشته‌اند نتوانند به او دست یافت.

نه فرزندم، تو نباید به میدان جنگ بروی، چند لحظه پیش پدرت مردانه پیکار کرد و جاودانه شد و همین برای مادرت کافی است.

عمر و با نگاه معصومانه و قیافه جذّابش به حسین (ع) می‌نگریست، پس از سخنان او آهسته لب به سخن گشود:

«راست است که مادرم دردی جانکاه تحمّل کرده اما او هیچ احساس ضعف و زبونی نمی‌کند ...

یا حسین مادرم خودش لباس نبرد بر تنم پوشاند و شمشیر به دستم داد و مرا بدینجا فرستاد.»

نگاه گرم و پرسوز حسین (ع) به نگاه معصومانه عمرو

ص: ۵۰

بن جناده گره خورد و دید که شوق پرواز از سر و رویش می‌بارد و با نگاه ملتسمانه و گیرای خویش اذن عروج می‌طلبید، دلش به حالش سوخت و تاب نیاورد بیش از این معطل کرده باشد، این بود که آهسته و پرسوز فرمود:
 برو فرزندم، امیدوارم که خداوند بزرگ مجاهدت‌ها و تلاش‌های پیگیرتان را قبول فرماید.
 عمرو چون کبوتری که مدت‌ها در گوشه قفس زندانی بوده و آزاد شود، با سرعت پرگرفت و رفت. انگشتان کوچکی با قدرتی هر چه تمامتر قبضه شمشیر را می‌فشرد و با تمام نیرویش جهاد می‌کرد.
 جوان خردسالی در میان انبوه سپاه خونخوار دشمن تلاش می‌کرد و مادری از دور دست، به این پیکار سرسختانه می‌نگریست و لذت می‌برد، پاره جگرش و فرزندش را می‌دید که مردانه و دلیرانه می‌رزمند و این چنین رجز می‌خواند:

امیری حُسَینَ وَ نِعَمَ الامیرِ سُورُ فُؤادِ البشیرِ التَّذیرِ

عَلی وَ فاطِمَةُ وَالِداهِ فَهَلْ تَعْلَمُونَ لَهُ مِنْ نَظیرِ

لَهُ طَلَعَهُ مِثْلُ شَمْسِ الضُّحیِ لَهُ عُرَّةٌ مِثْلُ بَدْرِ مُنیرِ « (۱) »

« جنگ با شدت ادامه داشت و دشمن همه نیرویش را متمرکز کرده بود تا زودتر کار را خاتمه دهد، گرد و

۱- « بعث، غدیر، عاشورا، مهدی»، استاد محمدرضا حکیمی، ص ۱۵۹، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.

ص: ۵۱

خاک میدان نبرد به روی همه چیز پرده‌ای تیره و تار کشیده بود و دیگر هیچ چیز به چشم نمی‌خورد، کسی نمی‌توانست آنچه را که در میدان جنگ می‌گذرد ببیند و همه حالت انتظار آلودی داشتند. لحظاتی چند همچنان در بیم و امید گذشت، تا این که همه دیدند سری خونین و خونرگ چون مرغک تیر خورده‌ای در آسمان گرم کربلا پرپر زد و جلوی خیمه به روی شن‌های داغ نشست. (۱)

۱- . آنجا که حق پیروز است، پرویز خرسند، ص ۱۵۰، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش، با تلخیص زیاد و تصرّفی مختصر.

ص: ۵۳

فصل سوم آستان نارالله**اشاره**

آنجا جز آنچه سر بستانند چاره نیست آری جناب عشق بلند آستانه ایست «عزیزی»

ص: ۵۴

آستان ثارالله

شعر

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست
نه بقا کرد ستمگر، نه بیجا ماند ستم ظالم از دست شد و پایه مظلوم به جاست
زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست بلکه زنده است شهیدی که حیاتش ز قفاست
دولت آن یافت که در پای تو سر داد ولی این قبا راست نه بر قامت هر بی سر و پاست
تو در اول سر و جان باختی اندر ره عشق تا بدانند خلایق که فنا شرط بقاست «فؤاد کرمانی»

ص: ۵۵

حدیث فردا و فرداها**اشاره**

عصر یازدهم محرم بود، یزیدیان به زور هم که شده می‌خواستند خاندان رسالت و ولایت را از اجساد شهیدان جدا کرده و به اسارت ببرند تا پیروزی خیالی خویش را به رخ مردم بکشند، غافل از آن که، پیام‌آوران عاشورا آنها و تمام فرعون‌ها را رسوا کرده و رسالت کربلا را به گوش تاریخ می‌رسانند.

فردای عاشورا بود و خورشید به سرعت می‌رفت که رخ در نقاب شب بکشد، تو گویی تاب تابیدن نداشت و نمی‌خواست با حرارت خویش اجساد پاک و پاره پاره شهیدان بزرگ را بیازارد، شهیدانی که بیش از یک شبانه روز، بی هیچ سایه‌بانی و بدون کفن، روی خاک آتشین کربلا- آرمیده بودند و در این میان در آن قیامت غم‌ها و غصه‌ها، زینب کبری (س) بود که با خدای خودش، پروردگار عالمیان، راز و نیاز می‌کرد.

او- زینب، زینت رسول، جانشین راستین حضرت بتول، عقیده العرب، فرزانه تاریخ، تندیس صبر سرخ- در حالی که با یک دست جسد مطهر برادر را بلند می‌کرد و با دست دیگر خدا را می‌خواند، صبورانه و عارفانه به

ص: ۵۶

درگاه حضرت حق می‌نالید که:

الهی تقبل منّا هذا القربان (۱)

، خدایا این قربانی را از ما اهل بیت قبول بفرما، در همین حال متوجه شد که حجّت حق، امام سجّاد (ع) خیلی ناراحت است و بی‌تابی می‌کند و نزدیک است که قفس تنگ تن را شکسته پرواز کند، به سرعت خودش را به امام (ع) رسانده و گفت:

ای وارث پیامبران و ای یادگار شهیدان، تو را چه می‌شود که چنین به خود می‌پیچی، به خدا قسم این که می‌بینی عهدی بود که خدا با جدّ و پدرت بسته بود و خدا آن پیمان بزرگ را با این مردان سترگ به پایان برد، مردان بزرگی که فراعنه زمین آنها را شناختند، اما اهل ملکوت و ملائکه خدا، آنها را به خوبی می‌شناسند و این اعضای پاره پاره و اجساد آغشته به خون را جمع کرده و به خاک خواهند سپرد و درفشی از این طوفان طف را به روی مرقد پاک پدرت، سالار شهیدان به اهتزاز می‌آورند، درفشی که همیشه همیشه‌ها در بلندای ابدیت و در ستیغ سرخ آزادی برافراشته خواهد ماند و گذشت زمان‌ها نمی‌تواند آن را کهنه و فرسوده کند و هر چه سردمداران کفر و ستم و گمراهان و کج اندیشان در محو و نابودی آن بیشتر بکوشند ره بجایی نخواهند برد، بلکه این کار به علوّ و عظمت آن بیشتر خواهد افزود. (۲)

۱- مقتل مقرّم، ص ۳۰۷.

۲- مقتل الحسین ع، مقرّم، ص ۳۰۸ به نقل از کامل الزیارات.

ص: ۵۷

تدفین آفتاب

روز سیزدهم محرم بود، سه روز بود که اجساد شهدا روی خاک کربلا افتاده بودند و با آن که لشگریان عمر سعد از آنجا کوچ کرده و به کوفه رفته بودند، از ترس جاسوس‌های ابن زیاد کسی جرأت نمی‌کرد به جسد سید جوانان جنت و یاران باوفایش نماز بخواند و دفنشان کند!

گروهی از قبیله بنی اسد، تبار پاکی که چندین شهید از بزرگ مردانشان مثل حبیب بن مظهر و مسلم بن عوسجه و ... در کنار سیدالشهدا (ع) غرق به خون افتاد بودند- در نزدیکی کربلا زندگی می‌کردند و در دل، محبت آل عدالت (ع) را داشتند، ولی از ترس ابن زیاد اقدام به دفن اجساد شهدا نمی‌کردند تا این که گروهی از زنان قبیله، بیل و کلنگ به دست، عزمشان را جزم کردند که به هر قیمتی که شده اجساد پاک را دفن کنند و مردان خویش را به باد ملامت گرفتند که پاره تن رسول خدا (ص) در زیر آفتاب سوزان مانده و شما دارید مصلحت اندیشی می‌کنید؟! ما خود به این کار اقدام خواهیم کرد!

مردان قوم تا این شهامت و شجاعت را از زنان قبیله دیدند، خون غیرت در رگشان به جوش آمد و تصمیم گرفتند که این افتخار بس بزرگ را از آن خود کنند، اما در عمل واله و مبهوت ماندند، چرا که اجساد شهدا را نمی‌توانستند شناسایی کنند و در همین حیرت و حزن،

ص: ۵۸

غرق بودند که ناگاه سواری از طرف کوفه نمایان شد که به سوی آنها می‌آمد، همه نظرها به سوی سوار معطوف شد، با حیرت تمام دیدند که آفتاب آسمان ولایت، امام سجّاد (ع) است که می‌آید.

امام بهصورت اعجاز آمیزی از کوفه تا کربلا را طی الارض کرده و به دفن شهیدان شتافته بود. (۱)

هنگامی که حضرت سجّاد (ع) می‌خواست آن شخصیت بس بزرگ را که عصاره تمام پیامبران و مصلحان تاریخ بود دفن کند، حدیثی دیگر از کتاب سرخ کربلا را چنین رقم زد و خطاب به جسم پاره پاره پدر چنین گفت:

«طوبی لارض تضمّنت جسدك الطاهر، فانّ الدنيا بعدك مظلمة، و الآخرة بنورك مشرقة، اما الليل فمسهد و الحزن سرمد ...»

چه بزرگ است زمینی که جسد پاک تو را در خود جای داده است، پس از تو دنیا روی روشنایی نخواهد دید درحالی که سرای باقی با نور تو روشن و منور است.»

و بر روی قبر نوشت:

«هذا قبر الحسين بن علي بن ابي طالب الذي قتلوه عطشاناً غريباً»

۱- . مقتل الحسين، مقرّم، ص ۳۱۹، به نقل از اثبات الوصیة مسعودی، ص ۱۷۳.

ص: ۵۹

اینجا قبر حسین، فرزند علی بن ابی طالب (ع) است، کسی که او را غریبانه و با لب عطشان کشتند.»

آستان حسینی

صحبت از آستان ثارالله است. آستان بزرگ و مقدّسی که به کوری چشم تمام یزیدیان و فرعونیان، در طول تاریخ، همچون آفتابی عالمتاب، در آسمان حماسه‌ها درخشیده است و خواهد درخشید.

خورشید خروشان‌ی که در سایه سار سرخ و خونینش، دلیر مردان تاریخ تربیت شده و در مقابل ستمگران و زورمداران ندای کربلایی «هیّهات منّا الذلّه» را سر می‌دهند و در این راه حسینی، عزیزانه سر به تیغ می‌دهند ولی سر به یوغ ستم نمی‌نهند و فریادشان بلند است که:

درد دین را نه به ما سیل هرات آورده است

این علم را عطش از شطّ فرات آورده است

«علی معلّم»

حال قدم به قدم پیش می‌رویم و تاریخ آستان ثارالله را قرن به قرن به مطالعه می‌نشینیم، باشد که دیده دل را با یاد حیات بخش او، نور نجات و روح حیات بخشیم.

سده نخستین

اشاره

پس از سه روز از شهادت سالار شهیدان، قبیله بنی اسد، به یاری و رهنمایی امام سجّاد (ع) به دفن اجساد شهدا

ص: ۶۰

پرداخته و با علامتی قبر آنها را مشخص ساختند و در کنار آن، درختی را به نام «درخت سدره» کاشتند، تا ساییانی برای استراحت زائران و نیز علامتی برای راهنمایی کربلاییان باشد.

و پس از پنج سال (سال ۶۶ هـ- ق.) مختار بن ابی عبیده ثقفی به خونخواهی امام حسین (ع) قیام نمود و اولین عمارت که دارای حرم و گنبد گچی و آجری بود و در کنار آن مسجدی جهت سکونت و عبادت زائران قرار داشت، در زمان او و به وسیله محمد بن ابراهیم، فرزند مالک اشتر نخعی بنا شد و با گذشت زمان به تدریج در اطراف آن بازار و خانه‌های محکمی تأسیس گردید، این آستانه دارای دو در شرقی و غربی بود و در عصر بنی امیه و دورانی از عصر عباسیان آن بقعه باقی بود.

اولین تخریب:

هارون الرشید، یکی از خلفای عباسی و قاتل حضرت موسی بن جعفر (ع) نخستین جسارت را به حریم حماسه جاوید روا داشت، هارون که یاد و نام کربلا را مزاحم سلطنت سیاه و ستم گستر خویش می‌دید، دست به تخریب حریم حسینی زد و با قطع درخت سدره و ویران کردن حرم ابوالأحرار و خانه‌هایی که شیعیان به تشویق امامان معصوم (ع) در اطراف آن ساخته بودند لگه ننگ بزرگی را تا قیام قیامت در دامن ننگین خویش به یادگار

ص: ۶۱

گذاشت! (۱) غافل از این که:

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۲) «آنها می خواهند با دهن های شان نور خدا را خاموش کنند و خدا نمی خواهد مگر این که نور خودش را تمام و کمال به انجام رساند، گر چه کافران را ناخوشایند باشد».

عصر بنی عباس

اشاره

چیزی از تخریب حرم حسینی، به دست هارون الرشید نگذشته بود که در سال ۱۹۸ هـ - ق. پسرش مأمون به قدرت رسید، او بر خلاف سیاست پدر و برای کسب رضایت شیعیان به ویژه شیعیان خراسان طریق دوستی و محبت به اهل بیت (ع) را پیش گرفت تا آنجا که برخی از پژوهشگران او را شیعه دانسته‌اند.

شرایط چنان بود که شیعیان توانستند فرصت را مغتنم شمرده و آستانه مجلل و باشکوهی بر مزار ابی عبدالله (ع) بسازند، چنان که راه کربلا دوباره به روی عاشقان کوی حسینی باز و سیل زیارتگران به سوی کربلا سرازیر شد و تمامی خرابی‌هایی که به دست هارون الرشید رخ داده بود بازسازی گردید.

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۴، و نیز مدینه الحسین، جزء دوم، ص ۷۳-۷۲.

۲- سوره توبه، آیه ۳۲.

ص: ۶۲

تخریب دوم:

متوکل، یکی از خلفای خون آشام عباسی در سال ۲۳۲ ق، اریکه قدرت را به زور غصب کرد، در دشمنی با آل عدالت (ع) روی یزید و ابن زیاد را سفید کرده بود، به هیچ وجه نمی‌توانست تابش نور خدا را که از گنبد حریم حماسه‌ها، کربلا می‌درخشید، تحمل کند، تصمیم گرفت به هر طریقی که شده، جلو تابش خورشید آزادی را بگیرد.

هنگامی که متوکل اطلاع حاصل نمود کربلا گسترش یافته و شیعیان از اطراف و اکناف به زیارت آستان حسینی می‌شتابند، سخت به وحشت افتاد و دستور داد آستانه و خانه‌هایی که شیعیان در اطراف آستانه ساخته بودند ویران کنند، حمدالله مستوفی می‌نویسد: «آن را مشهد حائر می‌خوانند، جهت آن که چنان ذکر رفت که به عهد متوکل خلیفه آب در او بستند تا خراب شود، آب حیرت آورد و زمین گور خشک ماند.» (۱)

بالآخره در سال ۲۴۷ ق متوکل به دست پسرش منتصر که گرایشات شیعی داشت به قتل رسید، منتصر بر خلاف سیاست پدرش، به شیعیان امنیت و رفاه داد و اموال زیادی را بین علویان تقسیم نمود و مجدداً آستان قدس حسینی را با شکوه و جلال بنا نمود و مناره بلندی در

۱- تاریخ گزیده، ص ۳۲۲.

ص: ۶۳

کنار آستان بنا کرد که با نور افشانی‌اش زائرین شبرو، از دور، راه را می‌یافتند، این بار نیز شیعیان فرصت را مغتنم شمرده و به سوی کربلا سرازیر گشتند.

عمارتی را که منتصر عباسی ساخته بود تا سال ۲۷۳ ق. برپا بود تا این که در آن سال سقفش فرو ریخت، و در حدود سال ۲۸۰ ق داعی الصغیر فرمانروای طبرستان و از نوادگان زید بن امام زین العابدین (ع) آن را تعمیر نمود و به رونق و شکوه آستانه مقدسه افزود. (۱)

بارگاه ثارالله هر بار که به دست زورمداران و ستمگران تخریب می‌شد یا آسیب می‌دید چندی نمی‌گذشت که دوباره بهتر از پیش، به دست مردمان آزاد اندیش تعمیر می‌شد و توسعه می‌یافت.

از آنجا که در این نوشتار بنا بر اختصار است ما فقط به صورت خیلی گذرا و فهرست وار به بعضی از وقایع و حوادثی که نسبت به عمارت آستان قدس حسینی در طول تاریخ رخ داده، اشاره می‌کنیم و می‌گذریم:

عمارت اول:

در زمان مختار ثقفی، به وسیله محمد بن مالک اشتر.

عمارت دوم:

در زمان مأمون عباسی، توسط شیعیان، پس از سال ۱۹۳ ق.

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۵، با تصرّفی اندک.

ص: ۶۴

عمارت سوم:

در زمان منتصر عباسی و به یاری او توسط شیعیان، اواخر سال ۲۴۷ ق.

عمارت چهارم:

به دست داعیصغیر محمد بن زید، در سال ۲۸۳ ق.

عمارت پنجم:

به دست عضدالدوله دیلمی، یکی از سلاطین بزرگ آل بویه، در سال ۳۶۹. وی که هر سال به زیارت نجف و کربلا می‌رفت نهایت سعی را در تکریم و تجلیل عتبات داشت، چنان که در سایه سار سعی او، کربلا توسعه یافت و حیاتی دوباره و پر نشاط را آغاز کرد.

عمارت ششم:

به دست ابومحمد بن سهلان رامهرمزی، وزیر سلطان الدوله دیلمی، پس از آن حریق و آتش سوزی‌ای که در سال ۴۰۷ ق در حریم حسینی واقع شد، تجدید بنا گردید.

عمارت هفتم:

توسط احمد عباسی، الناصر لدین الله، یکی از خلفای بنی عباس، در سال ۶۲۰ ق، ناصر تمایلات شیعی داشت و به زیارتگاه‌های شیعیان احترام خاصی قائل بود، چنان که مرقد مطهر امام کاظم (ع) را محل امن و امان قرار داد و اعلام کرد، هر کس به حرم کاظمین پناه ببرد در امان

ص: ۶۵

خواهد بود

بعضی از تعمیراتی که در عصر ناصر عباسی و به دستور او نسبت به عتبات عالیات انجام گرفته هنوز نیز در آستانه سامرا و در سرداب مقدس باقی است. (۱)

مرحوم محدث قمی می‌گوید: ناصر شیعه مذهب و قایل به امامت ائمه اطهار بود و کتابی نیز در فضائل علی (ع) تألیف کرد که علامه حلّی در کتابش کشف الیقین، از آن، حدیث نقل می‌کند. (۲) و همچنین تأسیس سرداب غیبت را نیز به ناصر عباسی نسبت می‌دهند. (۳)

عمارت هشتم:

پس از تأسیس دولت جلایریان در ایران به دست شیخ حسن ایلکانی در سال ۷۴۰ ق، سلطان اویس جلایری فرزند شیخ حسن در ۷۶۷ ق تعمیرات آستانه حسینی را شروع نمود که عمر وی به تکمیل آن وفا نکرد و فرزند او سلطان احمد در سال ۷۸۶ ق به تکمیل آن پرداخت و تاریخ تعمیرات مذکور بالای محراب، جنب رأس شریف معروف به نام «نخله مریم» که از آثار هنری ایرانی و

۱- برای مطالعه و تفصیل بیشتر این فهرست، مراجعه شود به کتاب تاریخ کربلا، نوشته دکتر عبدالجواد کلیددار، تمامصفحات.

۲- تتمه المنتهی، شیخ عباس قمی، ص ۳۶۰.

۳- شهر حسین ع، ص ۲۶۵، به نقل از ریحانه الأدب.

ص: ۶۶

حجاری اسلامی قرن پنجم می‌باشد، ثبت بود تا این که بدون جهت و بر اساس کینه و عداوت با تشیع در سال ۱۳۶۳ ق به دستور استاندار وقت کربلا محو شد. از آثار جلایریان مسجدی است که در ضلع شرقی صحن حسینی واقع است که تا امروز باقی مانده است و از آثار دوره جلایریان، مناره بسیار زیبا و عظیمی بود که در بزرگی و شکوه و هنر نظیر نداشت، متأسفانه باز بر اثر کینه با مذهب تشیع، در سال ۱۳۵۴ ق. حکومت بغداد دستور ویرانی آن را صادر کرد. (۱)

آستان حسینی در عصر صفوی

روز ۲۵ جمادی الثانی سال ۹۱۴ ق. (۲)

« پیروزمندانه وارد بغداد شد و مورد استقبال گرم

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶، و نیز شهر حسین ع، ص ۲۸۶ و ۴۶۰ و نیز تاریخ کربلا، ص ۱۸۶ و نیز ص ۲۴۰ تا ص ۲۵۰.

۲- شاه اسماعیل اول ۸۹۲-۹۳۰ علاوه بر این که بنیان گذار سلسله صفویه و یکی از سلاطین مقتدر و مبارز و محترم شیعی است، شاعر زبردستی نیز هست، وی در شعر «خطائی» تخلص می‌کرد. از او اثر به نام‌های «ده نامه» که در ۱۴۰۰ بیت سروده شده و دیوان اشعار ترکی او تحت عنوان «شاه اسماعیل خطائی شعرلری» به ترتیب در سال ۱۹۴۸ م، چاپ باکو و سال ۱۹۶۶ م از طرف آکادامی علوم آذربایجان، چاپ و نشر شده است. یکی از نویسندگان معروف معاصر از شاه اسماعیل صفوی چنین یاد می‌کند:

« شیخ اسماعیل صفوی - که به نظر من از بهترین مصادیق عرفان ستهنده است - با شعر به آن خوبی، خط ثلث به آن خوبی، طهارت، دیانت، جوانمردی و پاکی و در صف اول تمام نبردها قرار داشتن، به اخلاص مریدانش سبب شد ما یک انقلاب عظیم شیعی داشته باشیم. یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ما عصر صفویه است که با تشیع سرخ علوی شروع می‌شود، بهترین معماری را در این دوره داشتیم، بزرگترین فلاسفه ما در این عصر ظهور کردند، بزرگترین نقاشان، خوشنویسان، کاشیکاری‌ها و در حد خودش شعر شیعه جرأت ظهور و بروز می‌کند و ... بنگرید: کیهان فرهنگی، ویژه اندیشه، ادبیات و هنر انقلاب، بهمن ماه ۷۱ ش، ص ۱۰۷، ۱۰۶.

ص: ۶۷

شیعیان عراق قرار گرفت و در روز بعد به سوی کربلا رهسپار گشته و به زیارت آستانه حسینی مشرف شد و یک شبانه روز در حریم حماسه‌های جاوید، حرم پاک حسینی معتکف شد، سپس دستورات لازم را برای تعمیرات وسیع حرمصادر کرد و دوازده قندیل به یاد دوازده امام معصوم (ع) از طلای خالص جهت روشنایی حرم مقدس اختصاص داد و تمامی حرم و رواق‌های شریف را با گرانباترین فرش‌های ابریشم ایرانی مفروش ساخت و بین علویان و ساکنان کربلا هدایای نقدی و غیر نقدی تقسیم نمود.

شاه اسماعیل صفوی هنرمندان و مهندسی را از اقصی نقاط کشور ایران جمع کرد تا دور هم نشسته و شش‌صندوق منقوش به نقش‌های خطائیه و اسلیمیه را در نهایت زیبایی و ابتکار و در غایت دقت و ابداع ساختند و هر یک را که مخصوص عتبات مقدسه ششگانه بود به حرم مذکور گسیل داشتند که یکی از آنها را به آستانه حسینی و دومی را به آستانه قمر منیر بنی هاشم حضرت ابوالفضل اختصاص دادند، تهیه و نصب اینصندوق‌ها در

ص: ۶۸

سال ۹۳۲ ق. به پایان رسید. (۱)

عاشورایی در غدیر

در ۱۸ ذی الحجّه سال ۱۲۱۶ ق، مردم مسلمان کربلا، شهر شهدا را ترک گفته و رهسپار وادی ولایت و آستانه عدالت شده بودند تا روز کمال دین و تمام نعمت را در کنار مرقد آفتاب آسمان ولایت و امامت، امیرالمؤمنین علی (ع) با راز و نیاز با حضرت حقّ، بزرگ و گرامی دارند و خدا را به این نعمت بزرگ که خود، آن را اکمال دین و اتمام نعمتش خوانده، شکر و سپاس گویند. آری! مردان و جوانان کربلا، برای زیارت غدیر، به نجف اشرف مشرف شده بودند، تنها پیرمردان و زنان و کودکان و بیماران بودند که در شهر باقی مانده بودند.

کربلا، شهر شهیدان، آبستن فاجعه‌ای بس بزرگ و مصیبت‌بار بود و مردم از همه جا بی خبر، مشغول جشن و سرور بودند، می‌خواستند روز بزرگ اسلام را بزرگ دارند و با خود می‌گفتند حال که توفیق رفیق ما نشد و نتوانستیم به نجف اشرف رفته و از نزدیک امیرالمؤمنین (ع) را زیارت کنیم، خدا را شکر که در کربلایم در کنار آستان ثارالله. اما خفاشان شب پرست که همیشه از نام و یاد کربلا

ص: ۶۹

وحشت داشتند و عید غدیر خم را که چون آفتاب جهانتابی بر بلندای تاریخ نشست و می‌رود که بر سلطه سیاه ستمگران خط بطلان بکشد سدّ بزرگی در برابر سیطره سیاه خویش می‌دیدند توطئه چیده بودند تا قداست این دو حماسه بزرگ اسلام (غدیر و عاشورا) را بشکنند، شب پرستان نقشه جنایت بزرگی را از پیش کشیده بودند و با حاکم شهر کربلا که فردی بیگانه با حق و شخصی سست عنصر و متعصب و نسبت به آل عدالت (ع) کینه جو بود هم دست شده بودند تا از تابش خورشید خروشان خون خدا جلوگیری کنند، باری یزیدیان بار دیگر در کمین کربلا نشسته بودند.

تو گویی تاریخ می‌خواست تکرار شود و عاشورای دیگر را رقم زند، اما این بار نه در دهم محرم که در روز روشن غدیر بود که یزیدی دیگر با خود فروختگان پست تر پا به میدان جنایت گذاشته بود.

سپیده روز غدیر، تازه از مشرق کربلا سر زده بود که لشکری در حدود بیست هزار و اندی به فرماندهی عبدالعزیز بن سعود که تابع مذهب ساختگی وهابیت بود- چون مور و ملخ به گلستان حماسه‌ها و گلزار شهدا ریختند و شهر را که از مردان مبارز و جوانان رشید خالی بود، به ویرانه‌ای تکان دهنده تبدیل کردند.

ص: ۷۰

بادیه نشینان و هابی که هر یک در وحشیگری و تعصب، تندیس توحش و مجسمه قساوت بودند از کشته پشته ساختند و مردم را که به حریم حسینی پناه برده بودند در کنار ضریح مقدس و رواق‌ها و صحن شریف کشتند. آمار شهیدانی را که در این عاشورا شرف عروج یافتند مختلف نوشته‌اند. گفته شده: پنجاه نفر در کنار ضریح و پانصد نفر در صحن شریف شهید شدند و در خارج از آستانه نیز به هر که رسیدند کشتند، تا آنجا که پنج هزار کشته و ده هزار مسلمان بی گناه مجروح شدند. (۱)

بعضی دیگر از نویسندگان نوشته‌اند: تعداد نظامیان بیست هزار نفر و عدد مقتولین نیز بیست هزار نفر بوده است. (۲)

و هابیان وحشی هر چه توانستند کشتند و ریختند و شکستند و سوختند و سوزاندند. تمام جواهرات و اشیای قیمتی حرم را به یغما برده و صندوق مقدس را شکستند و به حریم حماسه‌های جاوید آتش زدند و ویران کردند.

فاجعه چنان غم بار و وحشتناک بود که شعرا و گویندگان آن را عاشورای ثانی و کربلای دوم خواندند.

۱- تاریخ کربلا، ص ۲۳۶، ۲۳۵.

۲- شهر حسین ع، ص ۳۶۶، به نقل از مدینه‌الْحسین ع، سلسله سوم، ص ۱۲۸.

ص: ۷۱

در میان شهیدان چند شهید بزرگوار نیز از علما و دانشمندان به چشم می خورد از جمله فقیه متکلم مولی عبدالصمد همدانی از شاگردان مروّج بهبهانی و مرحومصاحب ریاض بود که در این فاجعه فجیع شرف شهادت یافت.

شیخ العراقین در خدمت آستانه

عالم جلیل شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ العراقین (در گذشته ۱۲۸۶ ق) از مشایخ اجازات و از اساتید بزرگ محدّث شیعه، مرحوم طبرسی نوری و از یاران نزدیک «قهرمان مبارزه با استعمار» میرزا تقی خان امیر کبیر، و وصی آن وزیر بصیر بود که از ثلث ما ترک وی هشتاد باب خانه را که مجاور صحن مطهر حسینی، در قسمت غرب و جنوب غربی بودند، خریداری نمود و آنها را بهصحن شریف حسینی ملحق کرده و صحن مقدّس را توسعه داد. (۱)

از آثار دیگر وی در کربلا، مدرسه‌ای است به نام مدرس‌سهدر، وی همچنین به طلاکاری گنبد آستانه سامرا نیز اقدام کرده که از آثار خیر او شمرده می شود. (۲)

آستان حسینی در عصر حاضر

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶.

۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۸۹.

ص: ۷۲

آستانه حسینی که یکی از شاهکارهای معماری عصر آل بویه است، در قلب کربلا واقع و دارای ده در ورودی به داخلصحن شریف می‌باشد. دو درب در جنوبصحن به نام درب القبله و درب الرّحمه؛ در غربصحن، سه درب به نام‌های درب زینبیه و درب رأس الحسین و درب السلطانیه؛ در قسمت شمال، درب السدره و درب السلام؛ در قسمت شرقصحن شریف، سه درب به نام‌های درب الکرّامه و درب الشهداء و درب قاضی الحاجات.

همچنین دارای ۶۵ حجره است که در مقابل هر یک از حجره‌ها یک ایوان قرار دارد.

یک مسجد بزرگ هم در قسمت شرقیصحن، بین درب قاضی الحاجات و درب الشهداء و یک حسینیه بین درب الشهداء و درب الکرّامه و در قسمت جنوبصحن، تکیه یا خانقاه بکتاشیه احداث شده است. این تکیه در قرن دهم هجری با اخذ قسمتی از خانه آل بویه که یک در این خانه داخلصحن باز می‌گشت بنا شد و باقی خانه مذکور که ملک فرزندان آل بویه، شیخ حسن فرزند میرزا علی نقی آلصالحی بود در احداث فلک‌ه اطرافصحن شریف خراب شد.

درصحن شریف حسینی چندین محل جهت انبار فرش‌های آستانه و دیگر وسائل آن و در قسمت جنوب شرقیصحن مطهر، قبر مرحوم میرزای دوم شیرازی و در

ص: ۷۳

قسمت شمال غرب، قبر شیخ عبدالحسین معروف به شیخ العراقین از مشایخ اجازات و استاد محدّث بزرگ شیعه میرزا حسین طبرسی نوری و وصی امیر کبیر و در اطرافصحن شریف، جمعی کثیر از علمای امامیه و سلاطین شیعه مدفونند.

خودصحن شریف از دو طبقه تشکیل شده که تمامی دیوارهای آن با کاشی مزین است و هیئت شکوهمندی دارد. در وسطصحن شریف، آستانه قرار دارد که از چهار طرف آن درهای متعددی جهت ورود به رواق‌های مطهر دارد، ولی در اصلی و بزرگ آن در جنوبی حرم است. در مقابل در آستانه ایوان بزرگی واقع است که به ایوان طلا شهرت دارد و دو طرف ایوان چهار کفش کن است. پیشترها ستون‌های این ایوان از چوب بود ولی در سال ۱۳۸۷ ق، حاج قنبر رحیمی، از تجّار و معدن‌داران ایران، دوازده ستون سنگ مرمر که در نهایت زیبایی حجّاری گشته بود به آستانه حسینی اهدا نمود و در سال ۱۳۸۹ ق شروع به تعمیر ایوان طلا و نصب ستون‌های آن نمودند.

دو طرف ایوان دو مناره بلند از طلا- نظر هر بیننده‌ای را از دور به خود جلب می‌کند. ایوان دارای سه در ورودی است که به رواق جنوبی حرم شریف منتهی

ص: ۷۴

می‌گردد و درب وسط از آن دو در دیگر بزرگتر می‌باشد و از طلا در اصفهان ساخته شده.

رواق جنوبی حرم را رواق حبیب بن مظاهر اسدی می‌نامند، چون قبر حبیب، شهید پیر کربلا در آن واقع است و طائفه بنی اسد او را در مقبره دسته جمعی شهدای کربلا دفن نکرده و قبر جداگانه‌ای برای وی ساختند زیرا از بزرگان قبیله بنی اسد بود. در داخل حرم شریف، صندوق گرانمایی بر روی قبر مطهر قرار دارد که بر روی آن ضریح نقره نصب است و بالای ضریح اشعاری با طلا ثبت است.

کف و دیوارهای حرم و رواق تا حدود دو متر از بهترین سنگ‌های مرمر ایران است. حرم و رواق‌ها را با کاشیکاری آیات قرآنی زینت داده‌اند. تمام سقف‌های حرم و رواق‌ها به دست هنرمندان ایرانی آئینه کاری شده است.

در قسمت شرق قبر سید الشهداء (ع) قبر دسته جمعی شهیدان عاشورا واقع است و قبر حضرت علی اکبر (ع) جداگانه در ضریح سیدالشهدا می‌باشد.

از قبور دانشمندان بزرگ امامیه، در رواق جنوبی قبر میرزا مهدی شهرستانی و در رواق شرقی قبر آقا باقر بهبهانی (که بر روی آن صندوق نفیسی نصب است) و

ص: ۷۵

مقبره صدر اعظم میرزا محمد تقی خان امیر کبیر و در رواق شمالی آستانه، قبر جمعی از سلاطین قاجاریه از جمله احمد شاه و قبر شریف سید ابراهیم مجاب که دارای ضریح خاصی است و در رواق غربی جنب پنجره بالا سر سیدالشهداء (ع) قبر ملا محمد صالح برغانی و برادرش ملا-علی برغانی قرار دارد، در منتهی الیه رواق جنوبی محلی است که به قتلگاه معروف است و این اثر از قدیم باقی است، اینجا محلی است که ابوالأحرار امام حسین (ع) از اسب خویش بر زمین افتاد و در این مکان بود که شمر سر مبارک حضرت را از بدن شریفش جدا کرد. (۱)

در دائرة المعارف تشیع، (۲) از چهار ایوان واقع در آستان حسینی به تفصیل سخن رفته است که ما تنها به نام آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ایوان بالاسر یا ایوان رأس الحسین (ع)

۲- ایوان طلا.

۳- ایوان میرزا موسی که با نام‌های «ایوانصافیصفا» و «ایوانصفویه» و «ایوان لیلو» نیز نامیده می‌شود.

۴- ایوان ناصری.

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۷، ۷۶، با اندکی تصرّف جزئی.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۵.

ص: ۷۶

فصل چهارم آثار تاریخی و دیگر زیارتگاه‌های کربلا

اشاره

ص: ۷۷

آثار تاریخی و دیگر زیارتگاه‌های کربلا

ص: ۷۸

آستان ابوالفضل العباس علیه السلام

اشاره

مدفن فخر الشهداء، تندیس ایثار و فداکاری، مرد وفا، علمدار کربلا، حضرت عباس فرزند امیرالمؤمنین علی (ع)، معروف به ابوالفضل و ابوالفضائل، مشهور به قمر بنی هاشم (ماه تابان بنی هاشم) و سقای کربلا روحی فداه. وی که از طرف مادر بزرگوارش فاطمه، مشهور به ام‌البنین قرابتی با قبیلہ شمر لعین داشت، امان نامه‌ای را که شمر از طرف عبیدالله بن زیاد برایش آورده بود به هیچ انگاشت و مردانه دست ردّ به سینه اغیار زد و تا پای جان در کنار ابوالأحرار، سید الشهداء (ع) ایستاد و جان خود و سه برادرش را فدای فرزند فاطمه زهرا (س) کرد.

دلیر مرد بزرگی که با خون پاک خویش، درس وفا و ایثار را در بلندای حماسه و جهاد و بر ستیغ صفا و اخلاص رقم زد، چنان با اشتیاق و رشادت به میدان شهادت شتافت که چشم تاریخ و دیده دلیری و شجاعت، خیره بر خلوص او می‌نگرد و با حیرت و تقدیس، حدیث حماسه او را به تماشا نشسته است.

ابر مردی که روز عروج عشق یعنی عاشورا، به امر برادر و مولایش، مولای آزادگان، سالار شهیدان (ع)، جهت تهیه آب برای خیمه‌گاه خاندان نبوت به سوی فرات رفته بود، در یک جنگ دلیرانه در کنار نهر علقمه به شهادت

ص: ۷۹

رسید و به علت دوری محل شهادت وی از خیمه گاه سیدالشهدا (ع) و میدان نبرد و شدت یافتن جنگ، پیکر مطهر او در همان محلی که افتاده بود باقی ماند، سپس بنی اسد بدن شریفش را در همان محل شهادت به خاک سپردند.

آستان ماه بنی هاشم تقریباً تاریخ مشترکی با آستانه حسینی دارد، می شود گفت هر کسی که به تعمیر و توسعه آستانه حسینی توفیق یافته، به تعمیر آستانه علمدار کربلا نیز موفق شده و هر ناکس ستمگری که آستانه ثارالله را تخریب کرده، بارگاه حضرت ابوالفضل

(ع) را نیز تخریب کرده پس، از شرح تاریخ آستانه چشم پوشیده تنها به تماشای آستانه عباس (ع) در عصر حاضر می پردازیم: «آستانه ابوالفضل العباس (ع) حدود سیصد و پنجاه متری شمال شرقی آستانه سیدالشهدا ابی عبدالله الحسین (ع) واقع است که یک میدان بزرگ هر دو آستانه را در بردارد.

در وسط حرم شریف، قبر مطهر واقع است و بر روی آن صندوق خاتم کاری نفیس اهدایی نصب شده که با گذشت زمان تعمیراتی روی آن انجام شده است. روی صندوق را ضریح نقره‌ای پوشانده که به همت آیت الله سید محسن حکیم (رحمه الله) و به دست هنرمندان ایرانی در اصفهان با به کار بردن چهارصد هزار مثقال نقره خالص و هشت هزار مثقال طلا، پس از سه سال کار مداوم در سال ۱۳۸۵ ق در حرم مطهر نصب گشت.

ص: ۸۰

چهار طرف حرم شریف دارای چهار رواق قرینه است که ابهت خاصی به حرم بخشیده و به یکدیگر منتهی می‌گردد. سقف و تمامی دیوارهای حرم مطهر و رواق‌ها با دست هنرمندان ایرانی آئینه کاری شده و بالای ضریح یک گنبد بزرگ بنا شده که در سال ۱۳۷۵ ق طلاکاری آن انجام گشت.

آستان حضرت ابوالفضل (ع) دارای یکصحن چهار گوش است که حرم مطهر در وسط آن واقع شده و در چهار طرفصحن حجراتی بنا گشته که در آن جمعی کثیر از علمای امامیه و سلاطین و امرای شیعه دفن شده‌اند و تمامصحن آستانه کاشیکاری عصر قاجاریه به بعد است.

صحن شریف دارای هشت در بزرگ ورودی و خروجی است:

در قسمت جنوبصحن، درب قبله و یا درب الرسول (ص) واقع است و در سمت شمال، درب امام محمد جواد (ع) و قسمت غربصحن، دارای چهار در می‌باشد:

۱- درب امام حسن (ع)

۲- درب امام حسین (ع)

۳- درب امامصاحب الزمان (ع)

۴- درب امام موسی بن جعفر (ع) و سمت شرقی

ص: ۸۱

صحن دارای دو درب به نام‌های درب امام امیرالمؤمنین (ع) و درب امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشد. مساحت آستانه ابوالفضل العباس (ع) بالغ بر ۳۷۰، ۴ متر مربع است. این آستانه مطهر از نظر نقشه و سبک معماری مانند آستانه سیدالشهدا ابی عبدالله الحسین (ع) است فقط کوچکتر از آن می‌باشد. (۱)

آرامگاه شهدای کربلا

مورخان و ارباب مقاتل تعداد اصحاب هم‌رزم حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) را که در رکاب ایشان شهید شده اند به اختلاف از هفتاد و دو عدد تا ۶۰۰ تن نقل کرده‌اند.

مقبره دسته جمعی عده‌ای از شهدای کربلا در زاویه جنوب شرقی حرم سیدالشهدا (ع) واقع است. میرزا مهدی شهرستانی (۱۲۱۶ م) در حدود سال ۱۲۱۴ ق راهرو در ورودی، از رواق جنوبی حرم را به قبور شهدا بست و در قسمت شمالی راهرو ضریحی از چوب ساج نصب نمود و موقعیت قبور شهدا را بدین وسیله برای اولین بار مشخص ساخت، در حمله وهابی‌ها به کربلا (در سال ۱۲۱۶ ق) ضریح آرامگاه شهدا نیز همانند ضریح و صندوق آستانه حسینی به آتش کشیده شد.

ص: ۸۲

به همت شیعیان، تعمیرات وسیعی در آستانه حسینی انجام گرفت در سال ۱۲۳۰ ق ملاً محمدصالح برغانی ضریحی از برنج با کتیبه نقره منقوش به اشعار معروف محتشم کاشانی، در محل آرامگاه نصب کرد و در داخل ضریح نیز صندوقی از خاتم جای داد. در اوایل قرن چهاردهم، انیس الدوله همسر ناصرالدین شاه قاجار ضریحی از نقره به آرامگاه شهدا اهدا کرد که جایگزین ضریح قبلی شد.

در سال ۱۳۶۱ صندوق خاتم کاری این آرامگاه به همت محمدصنیع خاتم شیرازی تعمیر شد. بعدها دیوارهای مجاور ضریح به دست هنرمندان ایرانی آئینه کاری شد. (۱)

بقعه شهدای بنی‌هاشم

این بقعه محل دفن اجساد شهدای بنی‌هاشم در یک قبر دسته جمعی است. به دستور حضرت سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا هر یک از اصحاب که به فیض عظمای شهادت می‌رسیدند پیکر مطهر وی را از میدان جنگ خارج کرده و در خیمه‌ای که به همین جهت نصب شده بود می‌گذاشتند و زمانی که نوبت مبارزه به بنی‌هاشم رسید، خیمه دومی را به اجساد مقدس آنها اختصاص دادند. طائفه بنی‌اسد نیز هنگام دفن اجساد پاک شهیدان،

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۴، ۴۳.

ص: ۸۳

دو حفره در پایین پای حضرت سالار شهیدان (ع) ایجاد کردند. اولی که نزدیک تربت امام حسین (ع) است بقعه دسته جمعی شهدای بنی هاشم نامیده می‌شود. به همین جهت ضریح مطهر به شکل شش گوشه است و برآمدگی ضلع شرقی ضریح مقدس، قبر دسته جمعی شهدای بنی هاشم را در بردارد. پس از آن قبر دسته جمعی اصحاب حضرت سیدالشهدا (ع) است. این بقعه در زیر زمین حرم مطهر تا سال ۱۳۶۵ ق کاملاً مشخص بود ولی بر اثر بالا آمدن سطح آب در شهر کربلا امروزه تمامی زیر زمین مذکور را با خاک پر کرده‌اند. (۱)

آستان طفلان مسلم

مدفن ابراهیم و محمد فرزندان سفیر امام حسین (ع) حضرت مسلم بن عقیل معروف به سیف بنی هاشم که به دست حارث لعین در سال ۶۱ ق به شهادت رسیدند. این زیارتگاه در غرب شهر مُسیب در کنار شط فرات، در چهار فرسخی کربلا و از توابع استان کربلا، واقع شده و توسط یک راه فرعی به جاده اصلی کربلا- بغداد می‌پیوندد.

آستانه دارایصحنی بزرگ است که در اطراف آن حجره‌هایی جهت سکونت زائران احداث شده است و در وسطصحن مطهر، حرم آستانه واقع است که دارای دو گنبد کاشیکاری است، درب اصلی آستانه بهصحن

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۳.

ص: ۸۴

بزرگ باز می‌شود و در مقابل در ورودی صحن، ایوان مستطیل شکل و سرپوشیده‌ای است و در دو طرف ایوان مذکور کفش کن قرار دارد و از همین ایوان، دو درب ورودی به داخل حرم مطهر باز می‌شود و در وسط حرم، ضریح مقدس و صندوقی که روی هر یک از قبرهای شریف را پوشانده واقع است. و بر روی هر قبر، یک گنبد کاشیکاری، با شکوهی زیبا بر پا شده است. (۱)

آستانه عون بن عبدالله

شخصیتی که در این آستانه مدفون است مورد اختلاف است و در هر صورت خارج از دو وجه نمی‌تواند باشد:

۱- مرقد عون بن عبدالله بن جعفر طیار است. به عبارت دیگر فرزند یا فرزند خوانده حضرت زینب کبری (س) می‌باشد و علت این که خیلی از آستانه حسینی دور افتاده است این است که روز عاشورا همراه حبیب بن مظاهر اسدی رفته بود که طائفه‌ای از بنی‌اسد را که در نزدیکی کربلا- سکنی گزیده بودند به یاری سالار شهیدان دعوت کنند. پس از آن که آنها جواب مثبت گفته و عازم اردوگاه امام حسین (ع) بودند جنگی میان آنها و لشکر عمر سعد رخ می‌دهد و در این بین عون بن عبدالله شهید شده و بعدها در همانجا دفن می‌شود.

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۳، با اندکی تصرّف.

ص: ۸۵

۲- مدفن شخصی است به نام عون بن عبدالله بن جعفر که با سیزده واسطه به حضرت امام حسن مجتبی (ع) می‌پیوندد و احتمال دارد هر دو قولصحیح باشد یعنی اول عون بن عبدالله یکی از شهدای کربلا در آنجا دفن شده باشد و سپس با فاصله زیادی امامزاده حسنی نیز در آنجا دفن شده باشد. (۱) در توصیف آستانه، پژوهشگران و نویسندگان دائرة المعارف تشیع چنین نوشته‌اند: «این آستانه در عصر حاضر در شمال شهر کربلا، کنار اتوبان کربلا- بغداد واقع است. بر اثر گسترش شهر کربلا از سمت شمال این آستانه کم کم به شهر کربلا متصل می‌گردد. عمارت امروزی آن از آثار صفویه است. سپس در عصر قاجار تعمیراتی وسیع در آن انجام گرفته و امروزه حرم مجلل و گنبد بزرگ کاشیکاری دارد و از اطراف و اکناف به زیارت این آستانه می‌شتابند و قربانی و نذورات زیادی تقدیم می‌گردد و یکی از زیارتگاه‌های مهم کربلا است.» (۲)

از آثار تاریخی کربلا

اشاره

شهر کربلا پر است از آثار تاریخی و مذهبی و فرهنگی که بعضی پیش از این یاد شد. به برخی دیگر اشاره می‌شود:

۱- مرقد سید ابراهیم مجاب:

سید ابراهیم فرزند سید محمد عابد فرزند امام موسی

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- همان، ص ۱۰۴.

ص: ۸۶

بن جعفر (ع) معروف به سید ابراهیم مجاب و ضریر کوفی و اولین شخصیتی که از اولاد فاطمه زهرا (س) به کربلا رفته و در آنجا سکونت گزیده است و امروزه نیز چندین طائفه بزرگ از سادات موسوی از نسل همین سید بزرگوار در کربلا زندگی می‌کنند. (۱)

یکی از پژوهشگران معاصر در این خصوص چنین می‌نویسد:

«بین مورخین و نسب شناسان اتفاق نظر است که پس از ویرانی کربلا به دستور متوکل، اولین علوی که در دوره مستنصر بالله فرزند متوکل به سال ۲۴۷ ق، کربلا را مسکن دائمی خویش قرار داد، سید ابراهیم مجاب بود. وی که از کوفه به کربلا هجرت کرد بینایی خود را از دست داده بود و معروف است هنگامی که او را به کنار قبر سید الشهدا (ع) هدایت کردند عرض کرد: «السلام علیک یا جدی الحسین (ع)» از داخل قبر مطهر پاسخ داده شد: «علیک السلام یا ولدی». لذا بدین جهت وی به سید ابراهیم «مجاب (ره) جواب داده شده» شهرت یافت. در عصر حاضر این بقعه در زاویه شمال غربی رواق مطهر حسینی در نقطه تلاقی رواق شاهی و رواق بالای سر واقع است و دارای ضریحی از برنج به ابعاد ۳*۳ و ارتفاع حدود ۲ متر است. در وسط ضریح صندوق نفیس خاتم کاری قرار دارد. این بقعه از زیارتگاه‌های مهم داخل آستانه حسینی است.» (۲)

۱- تراث کربلا، ص ۱۰۶.

۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۵، با اندکی تصرّف.

ص: ۸۷

۲- خیمه‌گاه:

یکی دیگر از آثار تاریخی و زیارتگاه‌های مقدّس کربلا خیمه‌گاه است، البته نه همان خیمه‌گاهی که امام حسین (ع) و یارانش روز عاشورا در کربلا نصب کرده بودند بلکه نه حتّی در مکان آن. اکنون این خیمه‌گاه در جنوب غربی حائر حسینی واقع شده است و سنگ مرمری که اشعاری از شاعر کربلایی مرحوم سید حسین علوی بر آن نوشته شده بر سر در ساختمان خیمه‌گاه نصب شده است. (۱)

۳- آستانه ابن حمزه طوسی

مدفن عمادالدین ابومحمد و یا ابی جعفر ثانی محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی (ع) مشهور به ابن حمزه طوسی است که با چهار واسطه نسب شریفش به حضرت ابوالفضل العباس (ع) می‌پیوندد. وی از علمای بزرگ و فقهای معروف شیعه و از روایتگران حدیث و از دانشمندان قرن پنجم هجری می‌باشد. در توصیف آستانه چنین نوشته شده است:

«در قبرستان قدیمی کربلا قرار دارد که امروزه در جنوب شرقی آستانه حضرت ابوالفضل العباس (ع) در محله العباسیه الشریقه کنار خیابان باب طویریج در وسط شهر کربلا واقع است. تاریخ بنای عمارت اول آستانه به

۱- تراث کربلا، ص ۱۱۳، ۱۱۱.

ص: ۸۸

وضوح معلوم نیست ولی عمارتی بر مزار شریف بوده که در عصر صفویه تجدید بنا گشته و گنبدی بر قبر او برآورده‌اند و یکی از زیارتگاه‌های کربلا است. آستانه در عصر حاضر دارای حرمی است که در وسط آن قبر مطهر واقع است و بر روی قبر صندوق قرار دارد و یک ضریح سه متر در سه متر صندوق را احاطه نموده و بالای ضریح، گنبد است» (۱).

۴- آستانه ابن فهد حلی

آرامگاه جمال الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد حلی (۷۵۸ هـ - ۸۴۱ ق کربلا) یکی از فقها، عرفا و روایتگران بزرگ شیعه و استاد بسیاری از بزرگان شیعه از جمله فقیه جزایری علی بن هلال و محمد بن فلاح رییس نهضت مشعشی و نویسنده عدّه‌الداعی و تحریر و ... در دائرة المعارف تشیع توصیف این آستانه چنین نوشته شده است:

«این آستانه در مقابل درب قبله‌صحن حضرت سیدالشهدا (ع) به فاصله حدود سیصد متر واقع است. عمارت آستانه، نخست همان خانه‌ای بود که ابن فهد در آنجا زندگی می‌کرد و بنا به وصیتش در همان خانه خودش دفن گردید، او در حیات خویش خانه‌اش را جهت منزلگاه زوّار حضرت سیدالشهدا (ع) وقف کرده بود. شاه عباس‌صفوی در سال ۱۰۳۲ ق که به زیارت عتبات مقدّسه می‌رفت باغ جنوب قبر مطهر ابن فهد را خریداری نموده سپس مسجد بزرگی بنا کرد و تمامی

۱- . دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۶۵، با تلخیص.

ص: ۸۹

دیوارهای آن را با کاشی نفیس زینت بخشید و دستور داد گنبدی بر روی قبر ابن فهد بنا کنند. (۱)

۵- مقام امام حسین (ع)

محلّی که امام حسین (ع) در آنجا با عمر سعد فرمانده لشکریان یزید، مذاکراتی داشته‌اند که امروزه در محلّه السلامه در نزدیکی باب البویّه می‌باشد. (۲)

۶- تل زینیه

جایگاه بلندی که به نام اسوه‌صبر سرخ و نمونه ناب رشادت و استقامت، شیر زن کربلا زینب کبری (س) نامیده شده است چرا که روز عاشورا، گاهگاهی که زن قهرمان کربلا، فرصت پیدا می‌کرد، بر روی همین بلندی می‌شتافت تا حماسه‌های بی‌نظیر تاریخ را با چشم حق بین خویش از نزدیک نظاره‌گر باشد، که بتواند در فرصت‌های فردا، حدیث حماسه‌های حیات‌بخش و حرّیت آفرین را در فرات فرهنگ فرداها جاری سازد.

چنان که عظمت حضرت زینب (س) بر ستیغ‌صبر و استقامت نشسته و تا بلندای ابدیت امتداد می‌یابد. این مقام مقدّس (تل زینیه) نیز بر روی یک بلندی قرار گرفته و در سمت غربی صحن شریف امام حسین (ع) می‌باشد و بر روی

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۵۸ و ۶۵.

۲- همان، ص ۱۲۸.

ص: ۹۰

آن پنجره‌ای از برنز نصب شده است. (۱)

۷- مقام دست راست حضرت ابوالفضل

(ع)

والله ان قطعتموا یمینی ائی احامی ابدأ عن دینی

و عن امام‌مصدقٍ یقینی نجل النبی الطاهر الامینی چنان که از نامش پیداست محلّی است که دست راست قمر منیر بنی هاشم در آنجا از تن جدا شده است و امروزه بین محلّه باب بغداد و محلّه باب الخان قرار گرفته و دارای صندوقی از برنز است. (۲)

۸- مقام دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)

یا نفس لا تخشی من الکفّاری

t ۲

و ابشری برحمه الجبّاری مع النّبی السید المختاری

قد قطعوا بیغیهم یساری

در فاصله ۵۰ متری درب قبله‌صحن حضرت ابوالفضل (ع) و در نزدیکی دهانه بازار باب الخان مقامی قرار دارد که می‌گویند دست چپ علمدار کربلا، ابوالفضل العباس در آنجا افتاده بود و دارای صندوق کوچکی که با قطعات کوچک آئینه کاری شده و از برنز می‌باشد. (۳)

۹- مقام امام صادق (ع)

جایگاهی است که امام‌مصدق (ع) موقع تشرف به زیارت آستانه جدّش سیدالشهدا همیشه در آنجا با آب نهر

۱- تراث کربلا، ص ۱۲۹.

۲- همان، ص ۱۳۰، ۱۲۹.

۳- تراث کربلا.

ص: ۹۱

فرات غسل زیارت می کردند، این نقطه در ساحل غربی نهر علقمی و در زمین‌هایی که معروف به اراضی جعفریات است قرار گرفته است و امروزه زیارتگاهی معروف و دارای گنبدی کاشی کاری شده می‌باشد و مردم به قصد تبرک و زیارت به آن مقام می‌روند تا حاجات خود را از خالق رحمان التماس کرده و به دعا و عبادت مشغول شوند. (۱)

۱۰- مقام حضرت مهدی موعود

(عج)

جایگاهی است که به یاد روح افزا و امید بخش قطب دایره وجود حضرت مهدی موعود امام زمان روحی فداه بنا گردیده و امروزه در سمت چپ نهر حسینیه کنونی، در مدخل کربلا و در مسیری که به مقام امام جعفر صادق (ع) می‌رسد قرار دارد. دارای گنبدی بلند و رفیع است و بر سر در آن مقام مقدس اشعاری کاشی کاری شده است. (۲)

۱۱- آستانه سید محمد مجاهد

جایگاهی که مدفن سید محمد فرزند سید علی طباطبایی حائری معروف به سید مجاهد (۱۱۶۲-۱۲۴۲ ق) از فقهای بزرگ و از علمای سترگ شیعه می‌باشد.

۱- همان، ص ۱۳۰.

۲- همان، ص ۱۳۱.

ص: ۹۲

کسی که پس از فتوای خویش مبنی بر جهاد بر علیه روسیه شخصاً وارد میدان جنگ شد و در جهاد با کفار روسی شرکت جست و هنگامی که از جبهه جهاد بر می‌گشت در شهر قزوین به سال ۱۲۴۲ ق جاودانه شد و پیکر پاکش را با تشریفات ویژه‌ای به عراق حمل نموده در آستانه‌ای که هم اکنون به نام او نامیده می‌شود در کربلای مقدس بین آستانه حسینی و آستان ابوالفضل العباس در بازار بین الحرمین دفن کردند. (۱)

۱۲- مرقد شریف العلما

مدفن محمد شریف فرزند مولی شیخ حسن آملی مازندرانی مشهور به شریف‌العلماء (۱۲۴۶ ق) از علمای شریف شیعه می‌باشد. آستانه در جنوب شرقی آستانه حسینی به فاصله حدود ۱۰۰ متر از کوچه گدا علی، متفرع از خیابان امام الحسین (ع) واقع است که پیش از وفات، زیر زمین منزل مسکونی خودش بوده است که پس از وفات، شاگردانش او را در همانجا دفن کرده‌اند و از همان روز یکی از زیارتگاه‌های شیعیان گردیده است. (۲)

۱۳- بقعه آل بویه

مدفن جمعی از سلاطین و امرای شیعی مذهب آل بویه می‌باشد که تا سال ۱۳۶۸ ق به طرز خیلی جالب و با

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۹۹، با تلخیص و تصرف.

۲- همان، ص ۱۰۱.

ص: ۹۳

شکوه و جلال بی نظیر و با وسعتی زیاد پا بر جا بود، ولی در همین سال حکومت وقت عراق بر اثر تعصب سخت فراوان خویش آن را خراب کرد. گفته شده این میراث فرهنگی عظیم از بعضی لحاظ بی نظیر بود و آثاری در آن بود که از قرن چهارم هجری بیادگار مانده بود و امروزه اثری که از آن باقی مانده در فلکه و محوطه مقابل درب شرقی آستانه حسینی به نام باب الشهداء قرار دارد. (۱)

۱۴- بقعه ابواحمد الحسین

(۳۰۴-۴۰۰ ق) سید عظیم القدری که با سه واسطه به امام موسی کاظم (ع) نسبت می‌برد و در عصر خویش امیر الحاج و نقیب سادات طالبی بود. این بزرگوار که پدر دو دانشمند بزرگ شیعه، شریف مرتضی و شریف رضی (گردآورنده کتاب جاوید نهج البلاغه) می‌باشد. مرقدش تا سال ۱۳۶۰ ق با فاصله سه متر از صندوق مطهر ضریح سیدالشهدا و در زیر زمین حرم حسینی معلوم و مشخص بود. (۲)

۱۵- بقعه میرزا محمدتقی شیرازی، معروف به میرزای دوم

-
- ۱- برای تفصیل تاریخ بقعه و عکس العملی که مسلمانان در برابر جسارت حکام عراق از خود نشان دادند، بنگرید؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۰۵ و تاریخ کربلا، ص ۲۶۸، ۲۷۴.
 - ۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۱۰.

ص: ۹۴

مدفن میرزا محمد تقی (م ۱۳۳۸ ق) از علمای بزرگ شیعه و رهبر نهضت استقلال طلبی عراق. این بقعه در ضلع جنوب شرقی صحن مطهر آستانه سیدالشهداء (ع) در کربلا واقع است.

در سال ۱۲۸۲ ق سقاخانه‌ای (دارالسقایه) جهت تأمین آب آشامیدنی و وضوخانه‌زائران آستانه حسینی در ضلع جنوب شرقی صحن مطهر سیدالشهداء (ع) ساخته شد که به حالت شش گوشه بوده و شامل سه حجره بزرگ جنب هم که با راهروهایی به یکدیگر متصل می‌شدند.

جسد میرزای دوم شیرازی را در حجره وسط به خاک سپرده‌اند.

در سال ۱۲۶۳ ق هنگام توسعه صحن مطهر سیدالشهداء (ع) این بقعه خراب گردید و قبر در زاویه جنوب شرقی صحن آستانه حسینی قرار گرفت و دولت عراق در جنب قبر، بقعه جدیدی به مساحت حدود دویست متر مربع به نام «دیوان الشیرازی» بنا کرد. (۱)

۱۶- بقعه شریف رضی

(گردآورنده نهج البلاغه) و برادرش شریف مرتضی علم الهدی، مدفن این دو دانشمند بزرگ شیعه نزد مرقد پدرشان ابوالاحمد الحسین، در زیر زمین حرم مطهر حسینی پشت حضرت سیدالشهداء (ع) با فاصله حدود سه متر از

ص: ۹۵

صندوق فعلی ضریح مطهر حسینی واقع است، البته دو قبر دیگری نیز در شهر کاظمین به این دو بزرگوار منسوب است. (۱)

۱۷- بقعه شهرستانی

محل دفن سید میرزا مهدی شهرستانی (۱۱۳۰-۱۲۱۶ ق) از علمای شیعه و یکی از چهار بزرگوار (مهدی‌های اربعه) که آیت‌الله آقا باقر بهبهانی از نبوغ آنان تجلیل می‌کرد. این بقعه در رواق جنوب شرقی حرم مطهر حسینی واقع است که در جنوب آرامگاه شهدای کربلا می‌باشد و یکی از بقعه‌های معروف رواق حسینی است که اغلب زائران آنجا را هم زیارت می‌کنند. (۲)

۱۸- بقعه صاحب ضوابط

محل دفن مرحوم سید ابراهیم فرزند سید محمد باقر موسوی قزوینی حائری (۱۲۱۴-۱۲۶۲ ق) از علمای معروف و بزرگ شیعه در علم اصول، مشهور بهصاحب ضوابط، واقع در میدان مقابل باب الشهداء. (۳)

۱۹- بقعه برغانی

مدفن چند تن از علمای خاندان برغانی‌ها از جمله: مرحوم ملا محمدعلی برغانی (م ۱۲۷۱ ق).
از فقها و مفسران شیعه و از مراجع مبارز و سخت

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- همان، ص ۳۶۳، با تلخیص زیاد.

۳- همان، ص ۳۷۰.

ص: ۹۶

کوش و دارای حدود سیصد اثر مکتوب و کسی که در کودکی قرآن عظیم و نهج البلاغه را حفظ کرده بود و منشأ خیرات و اصلاحات بسیار در عالم اسلام گردید. (۱)

۲۰- بقعه سیدعلی صاحب ریاض و آقا محمدباقر بهبهانی

در این بقعه دو نفر از علمای بزرگوار شیعه مدفونند که دارای صندوقی مشترک می‌باشند:

۱- مرحوم سید علی طباطبایی حائری معروف بهصاحب ریاض (۱۱۶۱-۱۲۳۱ ق) که نسبش به ابراهیم الغمر مثنیٰ فرزند امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد.

۲- آقا محمد باقر بهبهانی (م ۱۳۳۷ ق) از دانشمندان و فقهای اصولی و متبحر در علم کلام و از شاگردان علامه برغانی است که تألیفاتی با ارزش و وزین از خویش به یادگار گذاشته است. (۲)

۲۱- بقعه سید مرتضی طباطبایی:

این بقعه محل دفن سید مرتضی (م ۱۲۰۴ ق)، فرزند سید محمد طباطبایی حسینی بروجردی حائری پدر سید مهدی بحرالعلوم است که در رواق شرقی حرم مطهر حسینی که به رواق پایین پا و یا رواق آقا باقر بهبهانی معروف است قرار دارد. (۳)

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۲۶ و نیز ص ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰.

۲- همان، ص ۳۴۹ و ۵۲۰.

۳- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۵۱.

ص: ۹۷

۲۲- بقعه سید مهدی طباطبایی حائری

محل دفن سید محمّد مهدی (م ۱۲۵۰ ق) فرزند سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)، از علمای شیعه است که امروزه در میدان مقابل باب الشهداء واقع است. (۱)

۲۳- بقعه آل کُونه

مدفن چند تن از خاندان علم و ادب در کربلا معروف به آل کُونه است از جمله:
 الف؛ شیخ مهدی کُونه (م ۱۲۷۲ ق) کلیددار آستانه حسینی و مسئول تولیت آستانه حسینی.
 ب؛ شیخ میرزا حسن کُونه (م ۱۲۹۲ ق) برادر شخصیت فوق الذکر که پس از او تولیت عظامی آستانه حسینی را عهده‌دار بود.
 ج؛ شیخ محمدعلی کُونه (م ۱۲۸۲ ق)، از شعرا و ستایشگران آل عدالت (ع)
 این بقعه در زیر زمین خزانه جواهرات آستانه حسینی بین رواق شاهی و مسجد آستانه حسینی واقع و دارای صندوق بزرگی است و نظر به موقعیت آن در حرم حسینی همه روزه مرکز تجمع علما و طلب است. (۲)

۱- همان، ص ۳۵۲.

۲- همان، ص ۳۷۴، با تلخیص و تصرّف.

ص: ۹۸

فصل پنجم پناهگاه ستمدیدگان و سدّ راه ستمگران

اشاره

هیچ کس نیست که در کوی تو اش منزل نیست موسی اینجا به امید قبسی می آید «حافظ»

ص: ۹۹

پناهگاه ستمدیدگان و سدّ راه ستمگران

ص: ۱۰۰

عاشورایی دیگر در راه کربلا**اشاره**

ماه صفر - سال ۱۳۹۷ ق - بود و اربعین حسینی در پیش، گروهی از مسلمانان آماده می‌شدند تا همچون سال‌های گذشته، با پای پیاده از نجف تا کربلا (۶۰ کیلومتر) راهپیمایی کنند، باشد که توفیق زیارت امام حسین (ع) را، روز اربعین حسینی در کربلا داشته باشند.

اما استاندار نجف، جاسم الزکابی، عده‌ای از بزرگان شهر را احضار و به آنها ابلاغ کرد که امسال تصمیم رژیم بر این است که آن شعائر (پیاده روی زوار نجف تا کربلا) اجرا نشود و شما اطلاع داشته باشید که این کار ممنوع است. اما مردمی که اشتیاق زیارت اربعین شوری در سرشان بر پا کرده بود اصرار ورزیدند که باید این روش پسندیده همچون سالیان گذشته به جای آورده شود و بس. و چنان نیز شد، زائران حسینی با عزمی راسخ به راهی که انتخاب کرده بودند عازم شدند، و رژیم بعث هر چه تلاش کرد آنها را از راه کربلا برگرداند نتوانست ...

پس از گذشت چهار روز، پیش از آن که کاروان‌های زائران به کربلا برسد، رژیم، تهاجمی را که از پیش و برای همین تدارک دیده بود بر علیه شرکت کنندگان در تظاهرات (زوار پیاده) آغاز کرد.

ص: ۱۰۱

این حمله وحشیانه توسط لشکری بزرگ که مجهز به تانک و زرهپوش بود و به وسیله هلیکوپترهای جنگی پشتیبانی می‌شد انجام گردید و شمار زیادی از زوار را کشته و صدها نفر را دستگیر کردند. (۱)

عید نیمه شعبان و عاشورایی دیگر

هر سال، شب نیمه شعبان نزدیک به میلیون‌ها زائر از اطراف و اکناف عالم در کربلا جمع می‌شوند و در آستان قدس حسینی گرد هم می‌آیند تا در سایه سار آستانه آفتاب، با شب زنده‌داری و احیای شب میلاد مهدی [آن تنها منجی جهان و امید محرومان به دو توفیق بزرگ دست یافته باشند:

الف: با زیارت مرقد مطهر ابوالأحرار (ع) خانه دلشان را از نزدیک با نور آفتاب آسمان آزادگی جلا و صفا ببخشند.

ب: با بزرگداشت شب نیمه شعبان، خود را برای سپیده فردای انتظار آماده کنند.

و آن سال، قضیه با سال‌های گذشته خیلی فرق می‌کرد و آن شب (شب ۱۵ شعبان ۱۴۱۱ ق) نیز مثل شب‌های نیمه شعبان سال‌های گذشته نبود.

آن روز چندین بار جنگنده بمب افکن‌های آمریکا و

۱- . العراق الواقع و آفاق المستقبل، دکتر ولید حلّی، ص ۱۴۹.

ص: ۱۰۲

متحدانش نجف و کربلا را بمباران کردند و خانه‌های شیعیان از هر طرف مورد هجوم ستمگران بود، از خارج جغدهای جهانی می‌خواستند همه جا را ویران کنند و از داخل نیز صدام آن جغد خون آشام، سالیانی بود که در خانه شیعیان (عراق) با زور لانه کرده بود.

آری! هر چه از دستشان برمی‌آمد، کوتاهی نکردند، حرمین شریفین را به توپ بستند، در شهر، حمام خون به راه انداختند حتی مجروحین و بیماران را نیز در بیمارستان به رگبار گلوله بستند و شعارشان این بود که:

«اعداء السلطه لا يمكن ان يبقوا على قيد الحياه؛

دشمنان حکومت نباید زنده بمانند».

نوشته‌اند: تانک‌هایی که به شهر کربلا یورش آوردند رویشان نوشته شده بود:

«لا شيعه بعد اليوم؛

از این پس چیزی به نام شیعه نخواهد بود»!!

این تانک‌های ویژه که توسط هلیکوپترهای جنگی از هوا و توپخانه رژیم از دورادور حمایت می‌شدند آستانه امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) را به گلوله بسته خسارت‌های زیادی به آن دو مکان مقدس وارد آوردند و مزدوران رژیم گستاخانه داخل حرمین شریفین شده و از روی اجساد شهدا گذشته به غارت و چپاول جواهرات و

ص: ۱۰۳

تزیینات آن دو حرم مطهر پرداختند. (۱)

کربلا، رسواگر صدام

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست

عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

آنجا که جسارت‌های دهگانه خفاشان نورستیز را نسبت به آفتاب آسمان آزادگی ذکر می‌کردیم دیدیم که باز بالأخره حریم حماسه‌ها و حرم مطهر حسینی، همیشه بهتر از پیش درخشید و هر بار که ستمگری دست جسارت را گشود، خود در گرداب مذلت غرق شد و در زباله دان تاریخ افتاد و محو گردید و صدام عفلقی نیز که سر ستیز با حریم حسینی و کربلای او را پیش گرفته بود به همان جایی ختم شد که ستمگران و زورمندان تاریخ به آنجا رسیدند.

صدام چنان در کشت و کشتار و خون آشامی به پیش رفته بود که روی حجاج بن یوسف ثقفی آن نرون عرب را نیز سفید کرده بود و امروز کسی در عالم اسلام نیست که نداند او قاتل اندیشمند بزرگ معاصر آیت‌الله شهید صدر و خواهر دانشمندش بنت‌الهدی و چندین عالم بزرگ از آل حکیم و ... بود.

۱- العراق الواقع و آفاق المستقبل، ص ۱۷۲، با تلخیص.

ص: ۱۰۴

فصل ششم کربلا سرچشمه عاشورا

اشاره

ص: ۱۰۵

کربلا سرچشمه عاشورا

ص: ۱۰۶

پیام آوران عاشورا

اشاره

بزرگ پیام آور عاشورا حضرت زین العابدین و سیدالساجدین امام علی بن الحسین (ع) است که به خوبی تمام توانست با رفتار و گفتار و کردار بیدارگرانه خویش پیام همیشه جاوید عاشورا را به گوش تاریخ بسپارد و تمام رشته‌های یزید و آل یزید را پنبه کند. و نشید شهادت و فریاد فضیلت را چنین سر می‌دهد:

«بِالْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ».

آیا مرا به قتل تهدید می‌کنی؟! مگر نمی‌دانی کشته شدن، عادت ما و شهادت، کرامت ماست. (۱)

پیشوای پاکی که خود را در مقابل خیل خون آشامان چنین معرّفی می‌کند:

«أَنَا ابْنُ مَنْ قُتِلَ صَبْرًا وَ كَفَى بِذَلِكَ فَخْرًا».

مرا همین افتخار بس که پسر شهیدم، شهید استقامت و صبر. (۲)

دیگر مفسّر کربلا و پیام آور بزرگ عاشورا، فرزانه فرهنگ فضیلت عقیده‌العرب زینب (س) است.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۸.

۲- همان، ص ۱۰۸ و ۱۱۳.

ص: ۱۰۷

در فضل و کرامت او همین بس که قهرمان کربلا، ابوالأحرار سیدالشهدا (ع) از او انتظار دعا داشت و در وداع آخرش از او چنین التماس دعا می‌کرد:

«لاتنسينی فی نافله اللیل» (۱) خواهرم مرا در نماز شبهايت فراموش مکن!

یکی دیگر از پیام‌آوران حماسه سرخ کربلا، حضرت سکینه دختر امام حسین (ع) است. بانوی بزرگی که از زبان پیشوایان پاک شیعه چنین توصیف شده:

«كان الغالب علیها الاستغراق فی الله». (۲) آنچه بر او غلبه داشت، فانی در محبت خدا شدن و در عشق حق غرق گشتن بود.

پیام‌آوران عاشورای حسینی چنان سریع رسالتشان را به انجام رساندند که پس از گذشت چندصباحی از قیام حسینی، شهرها یکی از پس دیگری کربلا- شد و شعار همه انقلابیون «یا لثارات الحسین» و درفش تمام انقلاب‌های مردمی، اسلامی، پرچم‌های حسینی گردید، پرچم‌هایی که سوگواری بر شهدای کربلا را عامل محرک جوامع شیعی ساخت.

۱- عرفان و حماسه، ص ۲۳۴، به نقل از امالیصدق، مجلس سی‌ام، و تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۰، و نفس المهموم، ص ۲۳۱.

۲- مقوم، مقتل الحسین ع، ص ۳۰۷.

ص: ۱۰۸

قیام توّابین

توّابین مردمانی بودند که برای امام حسین (ع) نامه نوشته و از وی دعوت کرده بودند که به کوفه تشریف بیاورد و وعده داده بودند او را یاری کنند تا مسلمانان را از دست یزید و آل یزید نجات دهند اما بعدها در اثر کوتاهی یا علل دیگری نتوانسته بودند در کربلا حضور پیدا کرده و سیدالشهداء (ع) را یاری کنند ولی پس از شهادت جانگداز سرور آزادگان به خود آمده و از ژرفای وجود آتش گرفته بودند و مصمم بودند به هر قیمتی که شده اشتباه بزرگ خویش را جبران کنند.

تصمیم گرفتند قاتلان امام حسین (ع) و یارانش را بکشند و یا در راه خونخواهی پیشوای شهیدان (ع) شرف شهادت پیدا کنند. توّابین به رهبری مرد بزرگی به نام سلیمان بنصرد خزاعی، از همان سال شهادت امام حسین (ع) (۶۱ ق) اقدام به جمع اسلحه و ... کرده بودند تا این که شب جمعه بیست و پنجم ربیع الثانی سال ۶۵ ق از راه رسید، آن شب توّابین که در حدود چهار هزار مرد مبارز می شدند از کوفه رهسپار مرقد مطهر امام حسین (ع) گردیده و در کنار قبر پاک سالار شهیدان (ع) صدا به گریه و زاری بلند کردند.

آنان یک شبانه روز در کنار مزار مقدّس امام حسین (ع) با حسرت و اندوه فراوان به سوگ نشستند و این

ص: ۱۰۹

نخستین عزاداری دسته جمعی زوّار در کنار حریم حسینی بود تا آن روز کربلا زائرانی چنین با شور و شوق شهادت و با آن شکوه اخلاص به خود ندیده بود.

توآیین معراج خویش را از کربلا شروع کردند و در راهی که انتخاب کرده بودند تا پای جان پایدار ماندند و پس از آن که تاریخ را تکان دادند و لرزه بر اندام فرعونیان انداختند و بسیاری از قاتلان شهدای کربلا را به درک واصل کردند، عاشقانه شرف شهادت در راه امام حسین (ع) را نصیب خویش کرده، به سوی پروردگارشان پر کشیدند و رفتند. (۱)

قیام یحیی بن زید

یحیی بن زید پس از آن که پدرش زید، پسر امام سجاد (ع) در سال ۱۲۱ ق در کوفه به شهادت رسید. کوفه را به سوی کربلا ترک گفت و با زیارت مرقد جدّش امام حسین (ع) جانی دوباره یافت. او که برای زیارت حائر حسینی و مهد حماسه‌ها راه درازی را با پای پیاده پیموده بود زائران حریم حریت را به دور خودش جمع کرد و با سخنان حماسی خویش آن هم در کنار مرقد مطهر سیدالشهدا، آتش انقلاب را در

۱- امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ص ۶۷ و نیز شهر حسین ع، ص ۱۴۹.

ص: ۱۱۰

نهاد مردان مستعد شعله‌ور کرد و با گردآوری یارانی چند از زائران اباعبدالله الحسین (ع) رفت که عاشورای دیگری بیآفرینند. چنان نیز شد، یحیی هم مثل پدرش زید به شهادت رسید و خطّه جوزجان را با شهادت خویش و یارانش کربلای دیگری ساخت، جسد پاک او چندین سال بر سر دار بود (از سال ۱۲۵ تا ۱۳۲ ق) تا این که شجره خبیثه بنی‌امیه سقوط کرد، آن وقت انقلابیون جسد پاکش را از چوبه دار به پایین آورده و با احترام و تجلیل به تدفین آن پرداختند. (۱)

انقلاب ابوالسرایا

در سال ۱۹۹ ق. سری بن منصور شیسانی معروف به ابوالسرایا در برابر دولت بنی‌عبّاس قد علم کرد و از همراهان معروف او محمد بن ابراهیم مشهور به ابن طباطبا بود که ابوالسرایا به نام او قیام کرده بود و مردم را به رهبری ابن طباطبا، سیدی که با چهار واسطه نسب شریفش به امام حسن مجتبی (ع) می‌پیوندد، دعوت می‌کرد. (۲)

نویسنده شهر حسین (ع) در این مورد می‌نویسد:

«ابوالسرایا با سواران جنگی خود وارد نینوا گردید بلا درنگ به زیارت قبر حسین (ع) شتافت، نصر بن مزاحم

۱- شهر حسین ع، ص ۱۸۳.

۲- مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۳۹.

ص: ۱۱۱

مدائنی می گوید:

من از مدائن به زیارت کربلا رفته بودم آن شب مصادف با درخشش برق و رعد و باران بود، ناگهان سوارانی آمدند و پیاده شدند و به سوی قبر رفتند و سلام کردند، یکی از سواره‌ها زیارت را طول داد. پرسیدم، گفتند: او ابوالسرایا است. (۱) او با شتاب از جای خود بلند شد و رو به مردم چنین گفت:

هر کس که از زیدیه در اینجا حاضر است پیش من آید! و من دیدم که گروه‌هایی از مردم دور و بر او حلقه زدند و او آغاز کرد به خواندن خطبه، در خطبه خود از فضائل و بزرگی اهل بیت رسالت (ع) گفت و از ستم‌هایی که از دست حکام جور بر آنها رفته است به ویژه از امام حسین یاد کرد و گفت:

«ای مردم! گیرم که شما در کنار حسین (ع) نبودید تا او را یاری دهید ولی چه چیز موجب می‌شود که از یاری کسی که او را درک می‌کنید و با او هم عصرید کوتاهی کنید، اینک این محمد بن ابراهیم، فرزند امام حسن (ع) است که فردا خروج خواهد کرد تا دین خدا را به پا دارد و انتقام خون حسین (ع) را از دشمنان اهل بیت (ع) بگیرد، من با او هستم و او را یاری خواهم کرد شما نیز به یاری او بشتابید و با من همراه شوید!» (۲)

اشاره‌ای به نقش کربلا در «حماسه فتواداران»

۱- امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ص ۲۵۵، با اندکی تصرف.

۲- شهر حسین ع، ص ۲۰۰ با تلخیص بسیار.

ص: ۱۱۲

انگلستان، آن استعمار پیر، در سایه سیاست شوم «تفرقه انداز و حکومت کن» توانسته بود در رجب ۱۳۳۵ ق بغداد را اشغال کند و سایه سیاه و ستم گستر خویش را بر کشور عراق بگستراند.

امّا علما و فقهای شیعه مگر می‌توانستند این وضع خفت بار را تحمل کنند؟! همانان که وارث کتاب کمال آفرین کربلایند و روایتگران حدیث حماسه و مرزبانان خون خدا، سیدالشهدا (ع) می‌باشند.

آنان که هر یک عمری روایت «هیئات منیا الذله» را از زبان پیشوای شهیدان (ع) در سر کوچه و بازار و بر روی منابر فریاد زده بودند، آخر چگونه می‌توانستند ذلت زیر بار کفار رفتن را تاب آورند؟!

مرزبانان حماسه جاوید عاشورا دست به دست هم دادند تا جواب دندان شکنی به استعمار پیر بدهند و عراق را از دست فرعون وقت نجات دهند.

علمای شیعه و در رأس آنها آیه‌الله محمدتقی شیرازی، معروف به میرزای دوم، شجاعانه پا پیش گذاشته و با رفتار و گفتار خویش حدیث حرّیت و حرکت را بر گوش جان مسلمانان قرائت کردند.

صحنه‌هایی را در این خصوص از زبان تاریخ بشنویم:

«در ۴ شوال ۱۳۳۸ ق، هزاران نفر از مردم کربلا و

ص: ۱۱۳

اطراف آن، در صحن امام حسین (ع) گرد آمدند و به سخنان شیخ محمد خالصی زاده که آنان را به شورش آشکار فراخوانده بود گوش فرادادند، محاصره کربلا در فردای آن روز و تبعید پاره‌ای از رهبران جنبش به «جزیره هنگام» به خشم مردم بیفزود و آنان را واداشت که در برابر زورگویی‌های استعمار انگلیس به مقاومت مسلحانه روی آوردند....» (۱)

«در ۱۸ ذی حجه ۱۳۳۸ ق (روز عید غدیر) انقلابیون در کربلا حکومت انقلابی تشکیل دادند و بر آن بودند که به بغداد حمله برده آنجا را از دست نیروهای اشغالگر انگلیسی بیرون آورند....» (۲)

در این انقلاب (انقلاب استقلال عراق) دو فتوای جهاد و تاریخ ساز از بزرگ مرجع تقلید شیعیان آن زمان یعنی آیت‌الله میرزای دوم شیرازی نقل شده است.

دانشمند معاصر استاد حکیمی در این خصوص سخنی را از مورخ شهیر شامی، خیرالدین زرکلی نقل می‌کند:
«محمدتقی بن محبّ علی بن محمدعلی گلشن، حائری شیرازی، مجتهد شیعی از ارکان انقلاب عراق

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۷۷.

۲- همان.

ص: ۱۱۴

علیه انگلیس، به سال ۱۹۲۰ م، و نخستین کس از عالمان دین که ندای انقلاب را در داد. در شیراز زاده شد. در کربلا تربیت یافت. و در سامراء ساکن گشت. آزاد فکran نجف مرجعیت دینی را در دست او قرار دادند. از این رو به کربلا منتقل شد و این فتوی را داد: «انَّ الْمُسْلِمَ لَا يُجُوزُ لَهُ أَنْ يَخْتَارَ غَيْرَ الْمُسْلِمِ حَاكِمًا عَلَيْهِ»؛ (جایز نیست مسلمان، غیر مسلمان را حاکم و امیر خود بشناسد). همین فتوی نخستین فریاد انقلاب بود. (۱)

و متن فتوای دیگری که از مرحوم میرزای دوم در این خصوص شرفصدور یافت چنین است:
«مُطَالِبَةُ الْحَقِّ وَاجِبَةٌ عَلَى الْعِرَاقِيِّينَ. وَ يَجِبُ عَلَيْهِمْ فِي مَطَالِبَاتِهِمْ رِعَايَةُ السَّلْمِ وَ الْأَمْنِ. وَ يَجُوزُ لَهُمُ التَّوَسُّلُ بِالْقُوَّةِ الدَّفَاعِيَّةِ إِذَا امْتَنَعَ الْإِنْكَلِيزُ عَنْ قَبُولِ مَطَالِبِهِمْ

بر مردم عراق، مطالبه حقوق خویش، واجب است. همینطور واجب است در خلال اقدامات حق طلبانه خود، صلح و امنیت را در نظر داشته باشند. اما اگر دولت انگلیس از پذیرفتن پیشنهادهای آنان سرباز زد مردم می‌توانند از اسلحه استفاده کنند و با دشمن بجنگند (۲)....

۱- . بیدارگران اقالیم قبله، ص ۱۱۷، ۱۱۶، به نقل از «الاعلام» ج ۶، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۲- بیدارگران اقالیم قبله، ص ۱۱۹، به نقل از «نقباء البشر» ج ۱، ص ۲۶۳ به بعد.

ص: ۱۱۵

بی شک این اولین حماسه‌ای نبود که با الهام گرفتن از عاشورای حسینی و از کنار آستان سیدالشهدا (ع) تحقق یافت چنان که آخرین حماسه نیز نبود، بلکه ذکر و فکر پیشوای شهیدان (ع) همیشه حرکت‌زا و حماسه ساز بوده، و تا قیام قیامت نیز چنین خواهد بود.

ص: ۱۱۶

فصل هفتم زیارت کربلا و تربت و تسبیح عشق

اشاره

ص: ۱۱۷

زیارت کربلا و تربت و تسبیح عشق

ص: ۱۱۸

تکریم کمال**اشاره**

از دیرباز میان ملت‌های متمدن، این رسم مرسوم و معمول بوده است که به هر نحو ممکن از قهرمانان و بزرگان تاریخی و فرهنگی خویش تکریم و تجلیل کرده و نام و یاد آنها را زنده و جاودانه نگاه‌دارند و امروز نیز همان رسم دیرین، با روش‌های مختلف و با وسعتی بیشتر، در بین همه ملت‌های جهان مرسوم و معمول است.

و این کار چیزی نیست که قابل انکار باشد، بلکه در سایه‌سار ادیان آسمانی و در برابر چشم پیامبران الهی نیز این تجلیل و تکریم‌ها صورت می‌پذیرفت بدون این که مورد انکار واقع شود.

در این باب، همین یک نمونه ناب از قرآن کریم کفایت می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

«قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمَّرِهِمْ لَنَنْجِيَنَّكَ مِنْهُمْ مَسْجِدًا» (۱) آنان (خداپرستان) که در کارشان پیروز شده و پی به توطئه کافران برده بودند گفتند: البته بر روی مزار آنها (اصحاب کهف) مسجد خواهیم ساخت.

ص: ۱۱۹

بزرگداشت بزرگان و زیارت قبر قهرمانان، رسم نیکی بوده است که از دیرباز میان ملت‌های مختلف و امت‌های گوناگون، مورد توجه بوده و هنوز هم هست.

از این میان سید و سالار شهیدان و رهبر آزادگان، امام حسین (ع)، آفتابی دیگر و بزرگی بس بهتر و بزرگتر است که باید به بزرگی کمال و نیکی تمام، نام و یادش را بزرگ داشت.

روایت زیارت

سخنان پیشوایان پاک و امامان معصوم (ع) در فضیلت زیارت کربلای حسینی چنان زیاد است که می‌توان گفت آن برگزیدگان خدا، در هر فرصت و مناسبتی مردم را به زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع) تشویق و ترغیب می‌کردند، تو گویی این برنامه‌ای بود که خود را بر آن متعهد می‌دانستند.

و این کار گذشته از این که باعث پیوند روحی و فکری مسلمانان با آن امام بزرگ و سید و سالار جوانان جنت بود، نوعی از مبارزه، بلکه بهترین مبارزه با ستمگران نیز محسوب می‌شد، چنان که همیشه چنین بوده و امروز نیز چنین است.

در اینجا چند حدیث، از سخنان برگزیدگان خدا را نقل می‌کنیم، باشد که با کلام آنان که نور ناب و خیر

ص: ۱۲۰

خالص‌اند، به دفتر خویش زینت بخشیم، اینک این شما و این هم چند روایت رشد و حدیث نور:

۱- عن الامام جعفر الصادق (ع)

«مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَكُونَ عَلَى مَوَائِدِ النُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَكُنْ مِنْ زُؤَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)» (۱) هر کس می‌خواهد در روز قیامت بر سر سفره‌های نور بنشیند باید که از زوّار امام حسین (ع) باشد.

۲- قال الصادق (ع):

«زُورُوهُ يَعْنِي الْحُسَيْنَ (ع)، وَلَا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

او را زیارت کنید (امام حسین (ع) را) و با ترک زیارتش به او ستم روا مدارید چرا که او سالار شهیدان و سید جوانان جنت است.

(۲)

۳- قال الصادق (ع):

«مَنْ ارَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ (ع) وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ، وَ مَنْ ارَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ» (۳) هر کس که دلش با محبت امام حسین (ع) و آرزوی

۱- اهل البيت، العدد الاول، ص ۶۱، به نقل از الغدير، ج ۵، ص ۱۰۹ به بعد.

۲- همان، به نقل از کامل الزیارات و ثواب الأعمال شیخ صدوق و بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱.

۳- اهل البيت، العدد الاول، ص ۶۱، نقل از کامل الزیارات.

ص: ۱۲۱

زیارتش آباد باشد بداند که لطف خدا شامل حالش بوده و این خیر را خدا برایش خواسته است و هر که نسبت به امام حسین (ع) و زیارت مرقد مطهرش کینه‌ای در دل داشته باشد نشان این است که خدا از او بریده و بر او غضب کرده است.

۴- آیت الله مرحوم علامه حلی می‌نویسد:

به راستی که روایات زیادی در فضیلت بلکه در وجوب و لزوم زیارت امام حسین (ع) وارد شده است چنان که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:

«زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يَقِرُّ لِلْحُسَيْنِ (ع) بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى»

زیارت امام حسین (ع) به هر کسی که به امامت امام حسین (ع) معتقد و مقرّ باشد واجب است. و پس از آن که چند روایت دیگر نقل می‌کند، می‌گوید: اخبار و احادیثی که فضیلت یا لزوم زیارت سیدالشهدا (ع) را می‌رساند بیش از آن است که به شمار آید.

«(۱)»

۵- قال رسول الله (ص): «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ» (۲) پیامبر اسلام (ص) فرموده: هر کس فرزندانم حسین را پس از شهادتش، زیارت کند پس بهشت بر او گوار باد.

۱- مجموعه نفیسه، کتاب المستجد، علامه حسن بن مطهر حلی، ص ۴۰۴.

۲- الارشاد للشيخ المفيد، ص ۲۵۲.

ص: ۱۲۲

برخی از علمای گذشته مثل شیخ مفید (۱) و علامه حلی (۲) و علامه مجلسی اول و علامه مجلسی دوم و ... از روایاتی که در باب زیارت امام حسین (ع) وارد شده، حکم و جوب استفاده کرده و به آن فتوا داده بودند و معتقد بودند زیارت مرقد شریف امام حسین (ع) در عمر یک بار واجب است. « (۳) »

در ثواب و فضیلت زیارت حریم حماسه‌ها، کربلای حسینی، روایت‌ها بیش از آن است که در این مختصر بگنجد و ما با نقل حدیثی دیگر از شیخ مفید این فصل را به پایان می‌بریم، امید که خداوند متعال توفیق زیارت آن حضرت را از نزدیک بارها و بارها نصیب همه آرزومندان بفرماید.

«روی آنه من أراد أن يقضى حق رسول الله (ص) و حق امیر المؤمنین و فاطمه و الحسن و الحسين: فلیزر قبر الحسين فی یوم عاشورا. مرحوم شیخ مفید می‌گوید: روایت شده که هر کس که می‌خواهد حق رسول خدا (ص) و حق امیر المؤمنین (ع) و حق فاطمه زهرا (س) و حق امام حسن و امام حسین (ع) را ادا کند، لازم است قبر امام حسین را در روز عاشورا

۱- الارشاد للشیخ المفید، ص ۲۵۲.

۲- مجموعه نفیسه، ص ۴۰۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰، چاپ اسلامیه.

ص: ۱۲۳

زیارت کند. (۱)

بی جهت نبوده است که بزرگان و دانشمندان شیعه، با اهتمام تمام سعی در زنده نگهداشتن «مکتب زیارت» داشته و آن را با عمل و سیره صالح خویش احیا می کردند.

چنان که نقل شده بزرگانی چون محدث نوری، گردآورنده آخرین مجموعه حدیثی (مستدرک الوسائل) و علامه بزرگ، امینی تبریزی نویسنده الغدیر و مرحوم سید محسن امین عاملی و میرزای نایینی و شیخ محمدحسین اصفهانی (معروف به کمپانی) و مرحوم شاهرودی و شهید آیت الله مصطفی خمینی و ... با پای پیاده از نجف تا کربلا را طی طریق کرده و به زیارت مولای آزاد مردان اباعبدالله الحسین (ع) می شتافتند، و این عبادت را در عمر شریفشان نه تنها یک بار که بارها به جا می آوردند تا آنجا که نوشته‌اند: مرحوم آیت الله شاهرودی چهل سفر با پای پیاده به زیارت سیدالشهدا (ع) توفیق یافته بود. (۲)

۱- مجموعه نفیسه، کتاب مساز الشیعه، شیخ مفید، ص ۶۱.

۲- پیام انقلاب، ۱۵۶، ۱۵۷، سلسله مقالات استاد محدثی، تحت عنوان مکتب زیارت.

ص: ۱۲۴

خاک شفا، اکسیر ممّیت

مکتب تشیع را می‌توان مکتب کربلا، مسلک حماسه‌ها، مشرب شهادت‌ها و عاشورا نامید چنان که گذشته از مسائل فکری، فرهنگی، در احکام عملی نیز همه جاصحبت از حسین (ع) است و از کربلا- و تربت و تسیح او، و این همان چیزی است که خدا خودش خواسته و رسول خدا (ص) نیز آن را به مردم ابلاغ کرده است. (۱)

باری در فقه شیعه نیز هاله شفقگونی از حماسه کربلا و حدیث عاشورا، گرداگرد ماه تفرقه و تحقیق را احاطه کرده و به فقه جعفری جلوه خاصی بخشیده است:

الف: در باب طهارت، در باب کفن و دفن میت، گفته‌اند مستحب است کمی از تربت کربلا، میان دو چشم میت ریخته شود و ...
ب: در بخش احکام نماز؛ مثل فضیلت سجده بر تربت حسین (ع) و مخیر بودن مسافر بین اتمام و قصر در نمازهای یومیه اگر در حرم سیدالشهدا اقامه کند ...

همچنین در تعقیبات نماز و آن اینکه مستحب است تسیحش را از تربت حسینی برگزیند و ...

ج: در بخش روزه؛ خوب است روزه را با تربت

۱- ر. ک: سیرتنا و سنتنا، اثر علامه امینی، همه صفحات.

ص: ۱۲۵

کربلا افطار کند.

د: در کتاب حجّ، در باب زیارت‌ها و ...

ه:- در کتاب نکاح و ازدواج؛ سزاوار و مستحبّ است کام نوزاد را با تربت کربلا باز کنند.

و: در بخش احکام خوردنی‌ها (کتاب الأطعمه)؛ این که خاک خوری حرام است مگر خاک کربلا، به قصد استشفای که نه تنها حرام

نیست بلکه به عقیده بعضی از فقها مستحب هم هست، البته با شرایطی که در کتاب‌های فقهی ذکر شده است و ...

این همه شاید به خاطر این است که امام حسین (ع) اسلام مجسم است و اخلاص و عبودیت در سیمای آن حضرت به‌صورت تمام

و کمال متبلور گشته و او آیینه جمال محمدی و مظهر اوصاف احمدی است، چنان که خود رسول خدا (ص) فرمود: حسینٌ منّی و

انا من حسین.

چرا که امام حسین (ع) باعث دوام دین و ضامن بقای اسلام و قرآن است و خداوند کریم در برابر آن همه اخلاص و صداقت او و

در مقابل آن همه گذشت و ایثاری که امام حسین (ع) در راه احیای دین او به خرج داد، این لطف را گذشته از الطاف بیکرانیش،

در حق او ارزانی داشت و کرامتی به او بخشید که به هیچ کس نبخشیده است و آن این که تربت او را شفای دردها و توتیای

ص: ۱۲۶

دیده‌ها و روشنی دل‌ها قرار داد.

امام‌مصدق (ع) می‌فرماید:

«أَنَّ تُرْبَةَ الْحُسَيْنِ مِنَ الْأَدْوِيَةِ الْمُفْرَدَةِ وَ أَنَّهَا لَا تَمُرُّ بِدَاءٍ إِلَّا هَضَمَتْهُ» (۱) به راستی که تربت امام حسین (ع) دارویی است یگانه و بی‌مانند و دردی نیست که آن را از بین نبرد.

همچنین امام‌مصدق (ع) می‌فرماید:

«فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) الشِّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ» (۲) شفای همه دردها، در تربت قبر حسین (ع) است و بزرگترین دارو نیز همان است.

یکی از یاران حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌گوید:

پس از آن که امام موسی کاظم (ع) توسط عمال هارون الرشید مسموم شد، فرمود:

«لَا تَأْخُذُوا مِنْ تُرْبَتِي شَيْئًا، لِتَتَبَرَّكُوا بِهِ فَإِنَّ كُلَّ تُرْبَةٍ لَنَا مُحَرَّمَةٌ إِلَّا تُرْبَةَ جَدِّي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا شِفَاءً لِشَيْعَتِنَا وَ أَوْلِيَائِنَا.» (۳) پس از شهادتم، چیزی از خاک قبرم برندارید تا به

۱- الاستشفاء، ص ۵۶، به نقل از مصباح شیخ.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۷۵.

۳- الاستشفاء، ص ۲۸، ۱۱۳، به نقل از عیون الاخبار و وسائل الشیعه.

ص: ۱۲۷

عنوان تبرک بخورید، چرا که خوردن هر خاکی حرام است به جز تربت جدم حسین (ع) که خداوند متعال آن را برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار داده است.

تکبیر ایثار، تسبیح تشیع

پس از آن که عموی پیامبر (ص)، حمزه بن عبدالمطلب به شهادت رسید، صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) از خاک مزار او برای خویش تسبیح تربتی درست کرد تا ضمن تسبیح حضرت جل و علا، ایثار و فداکاری شهیدان راه حق را نیز بزرگ دارد و تکریم کند و این روش میان مسلمانان به ویژه اهل بیت رسالت (ع) مرسوم و معمول بود تا این که قیامت قیام و محشر ایثار در کربلا بر پا شد و امام حسین (ع) «پیشوای شهیدان»، «سیدالشهداء» و «ابوالشهداء» نام گرفت و تا بلندای ابدیت و در ستیغ ایثار و فداکاری، درفش دین اسلام را برافراشت، از آن پس تسبیح‌ها به نام سید جوانان جنت و از خاک خون خدا ترتیب یافت و درخشش‌یصد چندان و فضیلت فراوان یافت، چرا که خون ابوالأحرار حسین (ع) به خون تمام شهدا حیات تازه بخشید و درخشش آنها را جاودانه کرد.

تربت و زمزم

استاد محدثی می‌نویسد:

«آب زمزم» و «تربت کربلا» با هم مناظره می‌کردند.

ص: ۱۲۸

خاک کربلا گفت:

ای آب زمزم! تو شریف‌تر از آب فراتی، چون حسین و یارانش از تو نوشیدند و سیراب شدند، آنگاه، راه کربلا و آن سفر سرخ را پیش گرفتند. اما فرات، در عطش نوشیدن از لب‌های حسین ماند، و ... حسین را در کنار فرات، تشنه شهید کردند. آب زمزم گفت:

ای خاک کربلا! تو در آنصحرای عطش و قحطی آب، خون‌های پاک و جوشان آن خدایی مردان را، گرم گرم، احساس کردی و بستر آن پیکرهای مجروح گشتی.

من از تو، بوی آن عزیزان را استشمام می‌کنم.

تو، بوی حسین و عباس و اکبر را می‌دهی.

تو ای خاک، بوی خون می‌دهی! بوی خون خدا، ثارالله.

*** چگونه می‌توان از خاک «لؤلؤ» ساخت و مروارید آفرید؟

هنر می‌خواهد، به عمق عشق و ژرفای شوق.

این گوهر سازی و مروارید آفرینی، از تلاقی «آب» و «خاک» پدید می‌آید.

خاک کربلا، آب زمزم.

آنان که به زیارت منای عشق رفتند و از خاک مزار

ص: ۱۲۹

حسین (ع) هدیه‌ای گرانبها آوردند، و آنان که به زیارت کوی عارفان رفتند و از زمزم اسماعیل، تحفه‌ای جانبخش آوردند، و این دو را درهم آمیختند، گلی پدید آمد، کهصفای اسماعیل ذبیح و عطر حسین شهید را همراه داشت. دانه‌های گلی، بهصورت «تسیح» در آمد، منظومه‌ای بلند از فداکاری، و کهکشانی بی‌انتهای از خداگونگی و خلوص. کدام گل بود که به اندازه این «تربت آمیخته به زمزم» می‌ارزید؟ و کدام گل بود که به خوشبویی «تسیح تربت» بود؟! وقتی آب زمزم به تربت کربلا نوشانده شود، وقتی عطر خون «ثارالله» با خاک نینوا عجین گردد، «تربت سیدالشهدا» پدید می‌آید، که در دست ذاکران، «ذکر» می‌گوید، و از سجده‌گاه ساجدان، نور ابدیت تا عرش، تنوره می‌کشد.

آری ... تسبیح تربت، یک قصیده‌ایصدبیتی است!

واژه‌هایش، همه عاشورایی،

و ... ترکیبش، کربلایی! و وزن و آهنگش، «زهرایی» ...

*** قصیده‌صدبیتی «تربت»،

ص: ۱۳۰

گویاتر از معلقات سبع است و شیواتر از «شاهکارهای ادبی»!

واژه‌هایش همه عاشورایی است، و ... آشنا و مأنوس.

مضمون این قصیده، هدیه خداوند به «فاطمه» است،

الله اکبر،

الحمد لله،

سبحان الله.

این سرود مقدس، سروش غیبی است، چرا که جبرئیل، از عرش خدا سوغات آورد.

زهرای اطهر (س)، تسبیحی از تربت حمزه سیدالشهدا ساخت و این منظومه بلند را به رشته کشید و جاودانه ساخت.

بعدها وقتی «منا» ی حسین پیش آمد،

خاک کربلا، جایگزین خاک «میدان احد» و قبر حمزه شد.

اینست که قصیده‌صد بیتی «تسبیح تربت» ماندگار شد و «مفهوم» برای همگان گشت.

حتی زنان ساده دل روستایی ما نیز، این قصیده را می‌دانند و با تعابیر و ترکیب‌هایش آشنایند. هر روز، آن را در سرودی آهنگین، با

همه کربلائیان «همنوایی» می‌کنند.

گوهرها را یا از ژرفای دریاها و دلصدف‌ها برمی‌آورند،

ص: ۱۳۱

یا از سنگ کوه‌ها و معدن‌ها می‌تراشند ... یا بهصورت مصنوعی و بدلی می‌سازند.

«یاقوت سرخ» و «الماس چشم نواز» را بر انگشترها و زیورها می‌نشانند،

از «در» و «لؤلؤ» و «مرجان»، گرانبهاترین وسایل زینتی می‌سازند،

از عقیق، فیروزه، لعل، زبرجد، یسر و سنگ‌های قیمتی دیگر گردن بند و انگشتر می‌سازند.

اما همه اینها یک طرف،

یک دانه «تسبیح تربت» هم یک طرف. کدامیک قیمتی تر است و عیارش بالاست؟

باز، «خاک کوی عشق» است که در این موازنه، برنده است،

و جلوه «تربت»، در دید دل، افزون‌تر.

دانش بشری، چگونه «اشعه لیزر» را زاده یاقوت می‌شناسد، ولی نور متصاعد از «مهر و تسبیح تربت» را هنگام سجود، در نمی‌یابد، که

هم دل ساجد را روشن می‌سازد و هم فراتر از کهکشان‌ها می‌رود؟

چرا پنجره‌های گشوده به غیب را می‌بندیم!؟

چرا به شبکوری خفاش گونه عادت می‌کنیم؟

چه کسی گفته است که «جماد» حرف نمی‌زند و

ص: ۱۳۲

سنگ و خاک، «نطق» ندارد.

«کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند...»

«وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (۱) *** «من» یک قربانگاه بود،

و... «کربلا»، قربانگاهی دیگر

تنها هاجر و ابراهیم نبودند که «اسماعیل» را به «مذبح» آوردند،

محمد و علی و فاطمه (ع) نیز «حسین» را به قربانگاه عشق فرستادند.

اگر ابراهیم و اسماعیل را می‌بایست آزمود،

محمد (ص) و حسین (ع) را نیازی به آزمون نبود.

آن روز که مثنی از خاک کربلا را، جبرئیل برای رسول خدا (ص) آورد، همه قضایا روشن بود و همه تسلیم محض بودند.

مگر خود حسین نفرمود:

«رضا الله رضانا اهل البيت، نصبر على بلائه...»

این، خط کربلایی حسین است،

ص: ۱۳۳

و سرمشق «سلوک» در وادی «جهاد عاشورایی» و «ذکر اربعینی». کجاست آن دل و دیده، که بر گوهر آن تربت خونین، خون اشک بارد؟

دل‌های دریایی،

گوهر «تربت» را در ساحل عشق، با «اشک» شستشو می‌دهند.

این است رمز جلوه و جلای همیشگی «تربت حسین»

«اربعین»، نگاهی مجدد به «عاشورا» ست.

و همه ... جا نیز «کربلا» ست! [\(۱\)](#)

۱- روزنامه کیهان، ۶/۵/۷۳، ص ۶.

ص: ۱۳۴

فصل هشتم کربلا کانون علم و ادب

اشاره

چون خاک کربلاست «فضولی» مقام من نظم به هر کجا که رسد، حرمتش رواست
زر نیست، سیم نیست، گهر نیست، لعل نیست خاک است شعر بنده، ولی خاک کربلاست ملامحمد فضولی بغدادی
شاعر بزرگ شیعه در قرن دهم
مدفون در کربلا

ص: ۱۳۶

در سایه سار تاراالله

اشاره

جور و جهل، ظلم و ظلمت، جفا و جهالت همیشه با هم و زمینه ساز یکدیگر بوده‌اند و آنچه که همیشه بیداد کرده است چیزی جز نادانی نبوده است، چنان که اگر سایه سیاه ستم نبود جهنم جهل، آتش بر خرمن هر چه خیر و خوبی است نمی‌افکند، هم چنان که اگر مردم در جهنم جهالت گرفتار نمی‌شدند هیچ وقت جور و جفا جرأت جولان پیدا نمی‌کرد. مگر نه این است که مولای مؤمنان علی (ع) می‌فرمود:

«دانش اساس تمام خیر و خوبی‌ها، جهل و نادانی ریشه همه زشتی‌ها و شرارت‌هاست».^(۱)

و پیشوایان پاک و امامان معصوم (ع) که «کلامشان نور و روایتشان رشد» است، به پیروان خویش آموخته‌اند که ضمن زیارت امام حسین (ع) چنین بگویند:

«بَدَلْ مُهَجَّتَه فِیْکَ لَیْسْتَنْقَدَ عِبَادَکَ مِنْ

۱- «العلم اصل کلّ خیر و الجهل اصل کلّ شرّ» ر. ک؛ غررالحکم و دررالکلم آمدی.

ص: ۱۳۷

الْجَهَالَةُ وَ خَيْرُهُ الضَّلَالَةُ...» (۱) خدایا! او (امام حسین (ع)) خون دلش را در راه تو بذل کرد تا بندگان تو را از جهنم جهالت و سرگردانی ضلالت نجات دهد.

امام احرار، سیدالشهداء (ع)، با شهادتش می‌خواست مردم را از جهالت و گمراهی نجات بخشد، تا مجالی برای جولان ستمگرانی چون یزید نباشد.

پس از شهادت مولا ابوعبدالله الحسین (ع) نیز دانشمندان و بزرگان شیعه، در سایه هدایت و تشویق امامان معصوم (ع)، در کسب دانش و تحقیق و تفحص، روز و شب نمی‌شناختند تا آنجا که به حق گفته می‌شود: علمای شیعه، تقریباً در همه علوم اسلامی مبتکر و پیشرو بوده‌اند. (۲)

جالب این که خیل خروشان از بیکران دریای دانشمندان شیعی، در طول تاریخ و سلسله‌وار، حوزه درسشان را در شهر کربلا و در سایه سار ثارالله، بپا داشته و بر این امر تأکید می‌ورزیدند تو گویی با این روش روح افزا و حرکت زا، می‌خواستند همزمان در دو جبهه بزرگ و حساس به مبارزه مستدام خویش ادامه دهند، باشند، باشد

۱- مفاتیح الجنان، فقره‌ای از زیارت اربعین، به نقل از حضرت امام صادق ع.

۲- بنگرید: کتاب پر ارزش «تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام» را.

ص: ۱۳۸

که با تلاش و تکاپوی حیرت انگیزشان، از طرفی جهل و نادانی را ریشه کن کرده باشند و از طرفی دیگر با رونق بخشیدن به شهر کربلا، آن مشهد شهیدان و میقات مبارزان، مردم، به ویژه دانشجویان و طلاب را هر چه بیشتر و بهتر، متوجه مرقد سیدالشهدا (ع) بکنند، چراکه شهر کربلا خود کتابی است بی نظیر و همیشه گویا و رسا، کتابی که درس آزادی و آزادگی در آن نوشته شده، آن هم با خون خاص خدا و به رنگ ثارالله!

راستی آن دسته از علمای شیعه، که شهر کربلا را برای حوزه درس و بحث خویش برگزیدند، الحق که توفیق بزرگی رفیقشان بود، همانان که توانستند در دو جبهه سخت حیاتی و حساس (مبارزه با جهل و ستیز با ستم) پیشوا باشند و پیشتاز. خدا را درخواست آن داریم که، نورشان همیشه درخشان و چشمه فکرشان تا ابد جوشان و خروشان باد!

دسته گلی از جنت آلاها

خیل خروشان‌ی که از اقیانوس ابرار، در دیار حضرت ابوالأحرار سیدالشهدا (ع) سر برآوردند و بالیدند، همان خیل خالصانی که در شهر کربلا و در سایه سار ثارالله، موج‌های نور و دریا‌های دانش را به درخشش و جوشش وا داشتند، بسی بسیار و خیلی زیادند و بی شمار.

ص: ۱۳۹

کرب و بلا، محشر غیرت و ایثارهاست مکتب آزادگان، مسجد بیدارهاست
سوره اخلاص را سرخ‌ترین ترجمه آیه پرواز را پاکترین کارهاست

هر جهت این چمن جنت آلاها هر طرف این دیار دست علمدارهاست شهر شهید عشق، حسین بن علی (ع) همیشه کوی احرار،
دیار ابرار، وادی اخیار، میقات عارفان، میعاد عاشقان، کانون مبارزان و مجاهدان، مجمع فقیهان و عالمان، مشعر شاعران قبیله نور،
مطاف ملائک و حور، وادی ولایت، حرم آل عدالت، زیارتگه پیام آوران الهی و مصلحان تاریخ بوده است. و در این شهر علما،
فقها و مجتهدین فراوان و بزرگی زیسته‌اند و از حیات باطنی و ظاهری کربلا و خویش به اهلصفا، حیات و زندگی بخشیده و احیاناً
در همان شهر به لقای خدا پیوسته و به خاک سپرده شده‌اند.

ص: ۱۴۰

فهرست منابع و مآخذ

۱. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و ...، سید عبدالرزاق کَمُونَه حسینی، ترجمه از عبدالعلیصاحبی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش، از انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲. آنجا که حق پیروز است، پرویز خرسند، انتشارات اطلاعات، تهران.
۳. ابوالشهداء، عباس محمود العقّاد، چاپ اول در ایران، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۲ ش، قم.
۴. الارشاد، شیخ مفید، منشورات بصیرتی، قم، بی تا.
۵. الاستفاده من عاشورا، آیت الله شیرازی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، بیروت.
۶. الاستشفاء بالتربة الشریفه الحسینیة، میرزا ابوالمعالی محمد کرباسی، چاپ اول، قم، بی تا.
۷. امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، محمد تقی مدرسی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش، آستان قدس رضوی.
۸. الامام الحسن الكوثر المهدور، سلیمان کتّانی.
۹. الامام الحسين فی حلّة البر فیر، سلیمان کتّانی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، قم، ایران.
۱۰. اهل البيت، (مجلّه)، چاپ بیروت، العدد الاوّل.
۱۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، چاپ اسلامیة، تهران.

ص: ۱۴۱

۱۲. بلاغۃ‌الحسین، سید مصطفی آل اعتماد، ترجمه: علی کاظمی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، قم.
۱۳. بیدارگران اقالیم قبله، محمدرضا حکیمی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. پیام خون، شیخ عبدالزهره کعبی کربلایی.
۱۵. تراث کربلا، سلمان هادی آل طعمه، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، بیروت.
۱۶. تاریخ کربلا، د: عبدالجواد کلیددار، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق، نجف اشرف.
۱۷. تاریخ من دفن فی العراق من الصحابه، علی بن الحسین الهاشمی، چاپ اول، ۱۳۹۴ ق، بیروت.
۱۸. ثوره الحسین، محمّد مهدی شمس الدین، چاپ ششم، ۱۴۰۱ ق، بیروت.
۱۹. حماسه سازان کربلا، علامه سماوی، ترجمه: عقیقی بخشایشی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، قم.
۲۰. دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، جزء یازده، مجلد سوم، حسن الامین، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ق- بیروت.
۲۱. دائره المعارف تشیع، ج: ۳ و ۲ و ۱، جمعی از پژوهشگران، چاپ اول، تهران.
۲۲. دیوان شریف رضی، چاپ اول در ایران،

ص: ۱۴۲

- ۱۴۰۶ ق، وزارت ارشاد، تهران.
۲۳. دیوان ابی‌الحبّ، ۱۳۷۱ ش، قم.
۲۴. رساله‌ الحسین (فصلنامه)، چاپ اول، قم، شماره ۱ و ۲.
۲۵. سنوات الجمر، علی المؤمن، چاپ اول، ۱۹۹۳ م، لندن.
۲۶. سیرتنا و سنتنا، علامه امینی تبریزی، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق، بیروت.
۲۷. شهداء الفضیله، علامه امینی تبریزی، بی تا، دارالشهاب، قم.
۲۸. شهر حسین (ع)، محمد باقر مدرس، چاپ اول، ۱۳۵۳ ش، تبریز.
۲۹. العراق بین الماضي و الحاضر و المستقبل، اعداد مؤسسه الدراسات الاسلامیه، چاپ بیروت، بی تا.
۳۰. العراق الواقع و آفاق المستقبل، د: ولید الحلّی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، لندن.
۳۱. عرفان و حماسه، آیت الله جوادی آملی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگی رجاء، تهران.
۳۲. قاموس الرّجال، علامه شوشتری، چاپ اول، جامعه مدرسین قم.
۳۳. کلیات مفاتیح الجنان، محدث قمی، تهران، بی تا.

ص: ۱۴۵

۳۴. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، به تصحیح علامه امینی تبریزی، ۱۳۵۶ ق، نجف اشرف.
۳۵. مرثیه‌ای که ناسروده ماند، پرویز خرسند، چاپ نهم، ۱۳۷۱ ش، انتشارات اطلاعات، تهران.
۳۶. مدینه‌الْحسین، سید محمد حسن مصطفی آل کلیددار، چاپ اول، ۱۳۶۸ ق، ایران.
۳۷. مروج الذهب (تاریخ مسعودی)، چاپ دوم، دارالهجره، ایران، قم.
۳۸. مروی اجمالی بر تاریخ سیاسی کربلا، محمد ولوجردی، عاشورای ۱۴۱۲، سازمان تبلیغات.
۳۹. مجمع البحرین، شیخ طریحی.
۴۰. مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.
۴۱. مقتل الحسین (ع)، عبدالرزاق الموسوی المقرّم، چاپ پنجم، ۱۳۹۹ ق، بیروت.
۴۲. موسوعه العتبات المقدسه، ج هشتم، قسم کربلا، جعفر الخلیلی، چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق، بیروت.
۴۳. میراث کربلا، سلمان هادی آل طعمه، ترجمه: محمدرضا انصاری به کوشش پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، تهران.
۴۴. نهضت الحسین، سید هبه‌الدین شهرستانی، ۱۳۴۵ ق، قم.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالكم وأنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-۱۸۰-۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار تیمی از ما شود که محتج غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می زهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها شدن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

ص: ۱۳۱

یا از سنگ کوه‌ها و معدن‌ها می‌تراشند ... یا به‌صورت مصنوعی و بدلی می‌سازند.

«یاقوت سرخ» و «الماس چشم نواز» را بر انگشترها و زیورها می‌نشانند،

از «در» و «لؤلؤ» و «مرجان»، گرانبهاترین وسایل زینتی می‌سازند،

از عقیق، فیروزه، لعل، زبرجد، یسر و سنگ‌های قیمتی دیگر گردن بند و انگشتر می‌سازند.

اما همه اینها یک طرف،

یک دانه «تسیح تربت» هم یک طرف. کدامیک قیمتی تر است و عیارش بالاست؟

باز، «خاک کوی عشق» است که در این موازنه، برنده است،

و جلوه «تربت»، در دید دل، افزون‌تر.

دانش بشری، چگونه «اشعه لیزر» را زاده یاقوت می‌شناسد، ولی نور متصاعد از «مهر و تسیح تربت» را هنگام سجود، در نمی‌یابد، که

هم دل ساجد را روشن می‌سازد و هم فراتر از کهکشان‌ها می‌رود؟

چرا پنجره‌های گشوده به غیب را می‌بندیم!؟

چرا به شبکوری خفاش گونه عادت می‌کنیم؟

چه کسی گفته است که «جماد» حرف نمی‌زند و

ص: ۱۳۲

سنگ و خاک، «نطق» ندارد.

«کوه و دریا و درختان همه در تسییحند...»

«وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْيِيحَهُمْ» (۱) *** «من» یک قربانگاه بود،

و... «کربلا»، قربانگاهی دیگر

تنها هاجر و ابراهیم نبودند که «اسماعیل» را به «مذبح» آوردند،

محمد و علی و فاطمه (ع) نیز «حسین» را به قربانگاه عشق فرستادند.

اگر ابراهیم و اسماعیل را می‌بایست آزمود،

محمد (ص) و حسین (ع) را نیازی به آزمون نبود.

آن روز که مثنی از خاک کربلا را، جبرئیل برای رسول خدا (ص) آورد، همه قضایا روشن بود و همه تسلیم محض بودند.

مگر خود حسین نفرمود:

«رضا الله رضانا اهل البيت، نصبر على بلائه...»

این، خط کربلایی حسین است،

ص: ۱۳۳

و سرمشق «سلوک» در وادی «جهاد عاشورایی» و «ذکر اربعینی». کجاست آن دل و دیده، که بر گوهر آن تربت خونین، خون اشک بارد؟

دل‌های دریایی،

گوهر «تربت» را در ساحل عشق، با «اشک» شستشو می‌دهند.

این است رمز جلوه و جلای همیشگی «تربت حسین»

«اربعین»، نگاهی مجدد به «عاشورا» ست.

و همه ... جا نیز «کربلا» ست! [\(۱\)](#)

۱- روزنامه کیهان، ۶/۵/۷۳، ص ۶.

ص: ۱۳۴

فصل هشتم کربلا کانون علم و ادب**اشاره**

چون خاک کربلاست «فضولی» مقام من نظم به هر کجا که رسد، حرمتش رواست
زر نیست، سیم نیست، گهر نیست، لعل نیست خاک است شعر بنده، ولی خاک کربلاست ملامحمد فضولی بغدادی
شاعر بزرگ شیعه در قرن دهم
مدفون در کربلا

ص: ۱۳۶

در سایه سار تاراالله

اشاره

جور و جهل، ظلم و ظلمت، جفا و جهالت همیشه با هم و زمینه ساز یکدیگر بوده‌اند و آنچه که همیشه بیداد کرده است چیزی جز نادانی نبوده است، چنان که اگر سایه سیاه ستم نبود جهنم جهل، آتش بر خرمن هر چه خیر و خوبی است نمی‌افکند، هم چنان که اگر مردم در جهنم جهالت گرفتار نمی‌شدند هیچ وقت جور و جفا جرأت جولان پیدا نمی‌کرد. مگر نه این است که مولای مؤمنان علی (ع) می‌فرمود:

«دانش اساس تمام خیر و خوبی‌ها، جهل و نادانی ریشه همه زشتی‌ها و شرارت‌هاست».^(۱)

و پیشوایان پاک و امامان معصوم (ع) که «کلامشان نور و روایتشان رشد» است، به پیروان خویش آموخته‌اند که ضمن زیارت امام حسین (ع) چنین بگویند:

«بَدَلْ مُهَجَّتَه فِیْکَ لَیْسْتَنْقَدَ عِبَادَکَ مِنْ

۱- «العلم اصل کلّ خیر و الجهل اصل کلّ شرّ» ر. ک؛ غررالحکم و دررالکلم آمدی.

ص: ۱۳۷

الْجَهَالَةُ وَ خَيْرُهُ الضَّلَالَةُ...» (۱) خدایا! او (امام حسین (ع)) خون دلش را در راه تو بذل کرد تا بندگان تو را از جهنم جهالت و سرگردانی ضلالت نجات دهد.

امام احرار، سیدالشهداء (ع)، با شهادتش می‌خواست مردم را از جهالت و گمراهی نجات بخشد، تا مجالی برای جولان ستمگرانی چون یزید نباشد.

پس از شهادت مولا ابوعبدالله الحسین (ع) نیز دانشمندان و بزرگان شیعه، در سایه هدایت و تشویق امامان معصوم (ع)، در کسب دانش و تحقیق و تفحص، روز و شب نمی‌شناختند تا آنجا که به حق گفته می‌شود: علمای شیعه، تقریباً در همه علوم اسلامی مبتکر و پیشرو بوده‌اند. (۲)

جالب این که خیل خروشان از بیکران دریای دانشمندان شیعی، در طول تاریخ و سلسله‌وار، حوزه درسشان را در شهر کربلا و در سایه سار ثارالله، بپا داشته و بر این امر تأکید می‌ورزیدند تو گویی با این روش روح افزا و حرکت زا، می‌خواستند همزمان در دو جبهه بزرگ و حساس به مبارزه مستدام خویش ادامه دهند، باشند، باشد

۱- مفاتیح الجنان، فقره‌ای از زیارت اربعین، به نقل از حضرت امام‌مصدق ع.

۲- بنگرید: کتاب پر ارزش «تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام» را.

ص: ۱۳۸

که با تلاش و تکاپوی حیرت‌انگیزشان، از طرفی جهل و نادانی را ریشه کن کرده باشند و از طرفی دیگر با رونق بخشیدن به شهر کربلا، آن مشهد شهیدان و میقات مبارزان، مردم، به ویژه دانشجویان و طلاب را هر چه بیشتر و بهتر، متوجه مرقد سیدالشهدا (ع) بکنند، چراکه شهر کربلا خود کتابی است بی نظیر و همیشه گویا و رسا، کتابی که درس آزادی و آزادگی در آن نوشته شده، آن هم با خون خاص خدا و به رنگ ثارالله!

راستی آن دسته از علمای شیعه، که شهر کربلا را برای حوزه درس و بحث خویش برگزیدند، الحق که توفیق بزرگی رفیقشان بود، همانان که توانستند در دو جبهه سخت حیاتی و حساس (مبارزه با جهل و ستیز با ستم) پیشوا باشند و پیشتاز. خدا را درخواست آن داریم که، نورشان همیشه درخشان و چشمه فکرشان تا ابد جوشان و خروشان باد!

دسته گلی از جنت آلله‌ها

خیل خروشان‌ی که از اقیانوس ابرار، در دیار حضرت ابوالأحرار سیدالشهدا (ع) سر برآوردند و بالیدند، همان خیل خالصانی که در شهر کربلا و در سایه سار ثارالله، موج‌های نور و دریا‌های دانش را به درخشش و جوشش وا داشتند، بسی بسیار و خیلی زیادند و بی شمار.

ص: ۱۳۹

کرب و بلا، محشر غیرت و ایثارهاست مکتب آزادگان، مسجد بیدارهاست

سوره اخلاص را سرخ‌ترین ترجمه آیه پرواز را پاکترین کارهاست

هر جهت این چمن جنت آلاها هر طرف این دیار دست علمدارهاست شهر شهید عشق، حسین بن علی (ع) همیشه کوی احرار، دیار ابرار، وادی اخیار، میقات عارفان، میعاد عاشقان، کانون مبارزان و مجاهدان، مجمع فقیهان و عالمان، مشعر شاعران قبیله نور، مطاف ملائک و حور، وادی ولایت، حرم آل عدالت، زیارتگه پیام آوران الهی و مصلحان تاریخ بوده است. و در این شهر علما، فقها و مجتهدین فراوان و بزرگی زیسته‌اند و از حیات باطنی و ظاهری کربلا و خویش به اهلصفا، حیات و زندگی بخشیده و احیاناً در همان شهر به لقای خدا پیوسته و به خاک سپرده شده‌اند.

ص: ۱۴۰

فهرست منابع و مآخذ

۱. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و ...، سید عبدالرزاق کَمُونه حسینی، ترجمه از عبدالعلیصاحبی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش، از انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲. آنجا که حق پیروز است، پرویز خرسند، انتشارات اطلاعات، تهران.
۳. ابوالشهداء، عباس محمود العقّاد، چاپ اول در ایران، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۲ ش، قم.
۴. الارشاد، شیخ مفید، منشورات بصیرتی، قم، بی تا.
۵. الاستفادة من عاشورا، آیت الله شیرازی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، بیروت.
۶. الاستشفاء بالتربة الشریفه الحسینیة، میرزا ابوالمعالی محمد کرباسی، چاپ اول، قم، بی تا.
۷. امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، محمد تقی مدرس، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش، آستان قدس رضوی.
۸. الامام الحسن الکوثر المهدور، سلیمان کتّانی.
۹. الامام الحسین فی حلّه البر فیر، سلیمان کتّانی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، قم، ایران.
۱۰. اهل البيت، (مجلّه)، چاپ بیروت، العدد الاوّل.
۱۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، چاپ اسلامیة، تهران.

ص: ۱۴۱

۱۲. بلاغۃ‌الحسین، سید مصطفی آل اعتماد، ترجمه: علی کاظمی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، قم.
۱۳. بیدارگران اقالیم قبله، محمدرضا حکیمی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. پیام خون، شیخ عبدالزهره کعبی کربلایی.
۱۵. تراث کربلا، سلمان هادی آل طعمه، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، بیروت.
۱۶. تاریخ کربلا، د: عبدالجواد کلیددار، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق، نجف اشرف.
۱۷. تاریخ من دفن فی العراق من الصحابه، علی بن الحسین الهاشمی، چاپ اول، ۱۳۹۴ ق، بیروت.
۱۸. ثوره الحسین، محمّد مهدی شمس الدین، چاپ ششم، ۱۴۰۱ ق، بیروت.
۱۹. حماسه سازان کربلا، علامه سماوی، ترجمه: عقیقی بخشایشی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، قم.
۲۰. دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، جزء یازده، مجلد سوم، حسن الامین، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ق- بیروت.
۲۱. دائره المعارف تشیع، ج: ۳ و ۲ و ۱، جمعی از پژوهشگران، چاپ اول، تهران.
۲۲. دیوان شریف رضی، چاپ اول در ایران،

ص: ۱۴۲

- ۱۴۰۶ ق، وزارت ارشاد، تهران.
۲۳. دیوان ابی‌الحبّ، ۱۳۷۱ ش، قم.
۲۴. رساله‌الحسین (فصلنامه)، چاپ اول، قم، شماره ۱ و ۲.
۲۵. سنوات‌الجمر، علی‌المؤمن، چاپ اول، ۱۹۹۳ م، لندن.
۲۶. سیرتنا و سنتنا، علامه امینی تبریزی، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق، بیروت.
۲۷. شهداء‌الفضیله، علامه امینی تبریزی، بی تا، دارالشهاب، قم.
۲۸. شهر حسین (ع)، محمد باقر مدرس، چاپ اول، ۱۳۵۳ ش، تبریز.
۲۹. العراق بین الماضي و الحاضر و المستقبل، اعداد مؤسسه الدراسات الاسلامیه، چاپ بیروت، بی تا.
۳۰. العراق الواقع و آفاق‌المستقبل، د: ولید الحلّی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، لندن.
۳۱. عرفان و حماسه، آیت‌الله جوادی آملی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ‌گی رجاء، تهران.
۳۲. قاموس‌الرجال، علامه شوشتری، چاپ اول، جامعه مدرسین قم.
۳۳. کلیات مفاتیح‌الجنان، محدث قمی، تهران، بی تا.

ص: ۱۴۵

۳۴. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، به تصحیح علامه امینی تبریزی، ۱۳۵۶ ق، نجف اشرف.
۳۵. مرثیه‌ای که ناسروده ماند، پرویز خرسند، چاپ نهم، ۱۳۷۱ ش، انتشارات اطلاعات، تهران.
۳۶. مدینه‌الْحسین، سید محمد حسن مصطفی آل کلیددار، چاپ اول، ۱۳۶۸ ق، ایران.
۳۷. مروج الذهب (تاریخ مسعودی)، چاپ دوم، دارالهجره، ایران، قم.
۳۸. مروی اجمالی بر تاریخ سیاسی کربلا، محمد ولوجردی، عاشورای ۱۴۱۲، سازمان تبلیغات.
۳۹. مجمع البحرین، شیخ طریحی.
۴۰. مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.
۴۱. مقتل الحسین (ع)، عبدالرزاق الموسوی المقرّم، چاپ پنجم، ۱۳۹۹ ق، بیروت.
۴۲. موسوعه العتبات المقدسه، ج هشتم، قسم کربلا، جعفر الخلیلی، چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق، بیروت.
۴۳. میراث کربلا، سلمان هادی آل طعمه، ترجمه: محمدرضا انصاری به کوشش پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، تهران.
۴۴. نهضت الحسین، سید هبه‌الدین شهرستانی، ۱۳۴۵ ق، قم.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

